

يَسْمُحُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

رب يسر ولا تعسر و تم بالقهر
«محمد بن رسول الله» - والماتية للمؤمنين -
وطوبى للقاتلين - ولاعدوان الا علي
الظالمين - والصلوة والسلام علي رسوله
محمد و آله الطاهرين اجمعين - و
ازواجه الطاهرات الطيبات امهات
المؤمنين - وسلم تسليماً كثيراً»

از اميرالمؤمنين حسين ابن علي رضي الله
عنهما چنين روايت است كه او گفت كه
پيغمبر صلي الله عليه و سلم فرموده كه
جبرئيل عليه السلام فرمود كه خدا تبارك و
تعالى ارشاد فرموده كه هيچ مؤمن نباشد كه
اين «دعای يك هزار يك نام» را در همه عمر
خوبش يكبار بخواند - حق تعالى متفاد
حاجت او را روا فرمايد - كمترين آن بود كه
وي را بيامرزد، و آن بنده را هفتاد تن از
ادميان كه ايشان از اهل توحيد باشند و

مستوجب آتش گشته باشند شفاعت دهد، و
ديگر آن كه اگر همه جانوران عالم جمع
شوند و خواهند كه او را بخورند نتوانند به
تن، مال و فرزندان او زيان و نقصان رسانند
اگرچه همه ساحران فرعون كرد ايند نتوانند
به او نقصان رسانند - و هر آن مؤمن كه
خداي تعالى را بدین نام ها بخواند خداي
تبارك و تعالی فرشتگان را بفرستد تا برايش
نيكي ها نويسند و بديهايش را محو كنند و
نام او در بهشت به درجهاي بر بدارند، و بر
خانه، كه در همه عمر يك بار اين نامها در
آن خانه خوانده شده باشد، هرگز ديوار در
آن خانه در نه آيد - در خانه كه اين نام ها
باشد آن خانه از بلا ايمن باشد - كسي كه
خداي تعالى را بدین نام ها ياد كرده باشد،
روز قيامت ايند وحده وي را از براي اهل بيت
او مقام شفاعت دهد - تا در دنيا باشد خداي
تعالی وي را در مفلسي مبتلا نكرداند - و وي

را هيچگاه نامرادي نباشد - اگر در پياپايي
بماند و اين نام ها نزد او باشد از گرسنگي و
تشنگي ايمن باشد - اگر بيماري ديرينه
باشد، وضو كند، دو ركعت نماز گذارد، و
باخلاص و اعتقاد پاك اين دعا بخواند، در
ساعت اثر شفا پيدا آيد و هر درديكه در تن
او باشد يكلبي شفا پابد، و گناهاي وي
امرزيده شود انشاءالله و هزار رحمت بروي او
كشاده شود، يك در از آن حكمت باشد -
اگر كسي از سلطان يا از دشمن مي ترسد،
اين دعا از سر صدق و يقين بخواند خداي
تعالی از شر او وي را ايمن سازد و خشم
سلطان را فرو نشاند و بر وي مشفق و
مهربان گرداند و در دنيا بعاليت و سلامت
باشد و بدر مرگ با آيمن رود - سر انجام وي
بر سعادت و ختم كار وي بر شهادت بود - و
گور وي روضه بهشت باشد - چون از گور
بسلامت بگذرد و بهشت بر نعمت وي را

كرامت كند - ديدير و خوشنودي خود را بوي
بخشد، بفضل و رحمت خودكه اكرم الاكرمين
و ارحم الراحمين هست - اللهم يسر و وفق
كيفيت جمع كردن هزار يكتام بدانكه در
عهد سلطان محمود رحمه الله عليه اكابر
روزگار و مزارگان وقت، در حضرت او ذكر
هزار يكتام بسيار مي كردند، و او مي شنيد،
طلب مي كرد، و آنچه بدست مي آمد قام غي
بود، و وي را اعتماد غي افتاد اين آرزو در
دل مي داشت تا سال نخستين كه بخراسان
آمد، و بر شهر نيشاپور مستولي گشت -
تصد كرد تا ويراني كند، بسبب آنكه خيلي
آزرد شده بود - ولي چون امامان، مفتيان و
قاضيان، سادات و اشراف بزرگان اهل
نيشاپور را بديد و سخن ايشان را بشنيد،
عذر ايشان بپذيرفت و اهل شهر را عفو
كرد - و بزرگان را بنواخت بعد از آن ايشان
را گفت كه مرا از شما يك چيزي در خواست

هست چنان باید که زود پیش گیرید- گفتند فرمان برداریم- سلطان فرمود که من از همه بزرگان می شنوم که ایزد تعالی را یک هزار و یک نام است و من آن را پشامی نمی بینم و آنچه بینم نقصان می بینم و بزبان ها آمیخته می گویند که بحقیقت نام های بزرگ خدای تعالی در آن میان است- رئی هیچ گونه دل من قرار نمی گیرد- مرا آگاه کنید که حق تعالی را هزار و یک نام هست؟ اگر هست اکنون برای من از قرآن و اخبار جمع کنید تا دل من قرار گیرد- قبول کردند و گفتند باید پادشاه فرمان دهد تا علماء، مفتیان و اهل اجتهاد جمع آیند تا مراد حاصل آید- پس روز دیگر هر عالم و فاضل که در نیشاپور بود جمع شدند و اتفاق کردند که این نام ها را بر زبان نازی بیرون آرند- یک سال مهلت خواستند، و گفتند که ضرورت به مدد علماء دیگر ولایات دیده می شود. باید سلطان

محمود فرمان داد تا از غزنین امام ایوب، از هرات امام و از هر ولایتی عالمی و بزرگی که در اسیر باشند جمع شوند- فسلای نیشاپور جمع شدند سلطان از وجوه حلال ایشان را رتبه فرمود و ایشان قرآن و تفسیر و احادیث بنهادند و باتفاق و یقین تقریباً در مدت یک سال هزار و یک نام از قرآن و احادیث بیرون آوردند و بر هر یک از قرآن و خبر دلیلی بیاوردند- سلطان به پسندید، و گفت ما را فایده هرکات این نامه است- دلائل کم کردند و این نام ها را جدا کردند- ایشان را نوازی بسیار کرد- سلطان پیوسته آن را با خود داشتی، پس از آن نسخه بدواً خلاصه فرستاد- علمای بغداد پیسندیدند خلیفه شاد شده جواب نامه فرستاد با تشریف های بسیار، و هفت هیكل فرستاد، با هزار و یک نام در یک جلد کردند- در حیات سلطان کسی ازین نسخه ندانست پس از

وفات او این نسخه نزد پسر او مسعود ماند- او با برادر کینه داشت، بهم بچنگیدند- لشکر جمله ازو برگشت و بسوی برادر او رفت چون نگاه کرد هزار و یک نام ازو افتاده بود، دانست که در جنگ فاتده و غلغله نباشد- بگریخت برادر او باهمه لشکر و خزائن باز گشت و خواجه عبدالرزاق نام خواجه که در زیر علم مسعود گرفته بود، او را بیم جان بود- آن شب در مجلس غلامی که مؤکل او بود گفت من حمائل یافته ام- چون هزارو یک نام را عبدالرزاق بدید که همه عمر آرزومند آن بود، آن غلام را بخشش ها کرد و آن را ازو بگرفت و آن شب بخواند بامداد سلطان محمود او را بخواست همه اکابرین فکر می کردند که او را شاید یکشد، ولی او خود او را بناوخت و ببرکت این نام ها وزارت به او داد- روزی وزیر پیش سلطان رفت او را اندوه کین یافت

گفت ای پادشاه! عالم بفرمان تست، ترا چه آرزوست فرمان ده بندگان تو آن را کفایت کنند- گفت اندوه مرا حد و کرانه نیست، از آنچه مرا در دل غم و غصه که هست آن غم در دل هیچ کس نباشد- حمائلی داشت پدرم، نظام کار او ببرکت آن بود، چون در خزائن پدر و برادرم آن را ندیدم و نیافتم شوریکه ملک از دست ایشان برفت از دست من نیز رفته گیر- وزیر خدمت کرد و گفت بنده ترا فردا ازین غم آزاد می گردانم- آنگاه وزیر بخانه رفت و نسخه هزار و یک نام که نزدش بود پیش او برد- او خیلی خوش شد، وزیر را بناوخت و قلم او بر همه ملک روان کرد- پس از آن این نسخه منتشر شد و این جز باقی ماند- اکنون ده ده نام می کنیم بتوفیق الله تبارک و تعالی-

تاج محل کمپنی قصه خوانی پشاور

ده نام اول از هزار و يك نام حق تعالي

برای رفع حاجات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا مُجِيبَ السَّأَلَاتِ - يَا مُجِيبَ
الدُّعَوَاتِ - يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ -
يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ - يَا عَظِيمَ
الْبَرَكَاتِ - يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ -
يَا ذَا فَعْلِ الْبَلَايَاتِ - يَا سَامِعَ
الْأَصْوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَصَالِحِ -
يَا عَالِمَ السِّرِّ *

< * * * >

ده نام از هزار و الحقیقات يك نام دوم

يَا اللَّهُ - يَا رَحْمَنُ - يَا رَحِيمُ -
يَا غَلِيظُ - يَا هَلِيمُ - يَا قَدِيمُ -

يَا حَكِيمُ - يَا كَرِيمُ - يَا شَرِيفُ -
يَا لَطِيفُ *

< * * * >

ده نام سوم از هزار و يك نام

برای نصرت و کامیابی

يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ - يَا خَيْرَ
الْمُكَامِلِينَ يَا خَيْرَ الْفَائِزِينَ -
يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ - يَا خَيْرَ
الْحَامِدِينَ - يَا خَيْرَ الْمُتَزَلِّينَ -
يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ - يَا خَيْرَ
الرَّازِقِينَ - يَا خَيْرَ الْخَامِدِينَ -
يَا خَيْرَ الْمُتَزَلِّينَ - يَا خَيْرَ
الْمُحْسِنِينَ - يَا خَيْرَ الرَّاغِبِينَ -
يَا خَيْرَ الْخَالِقِينَ - يَا خَيْرَ
الْعَارِفِينَ *

< * * * >

ده نام چهارم از هزار و يك نام

يَا مَنْ لَهُ الْعِزُّ وَالْجَلَالُ - يَا مَنْ لَهُ
الْمُلْكُ وَالْحَمْدُ - يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ
وَالْحُكْمُ وَالْإِسْلَامُ - يَا مَنْ لَهُ
السَّحَابُ الْبِقَالُ - يَا مَنْ هُوَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ - يَا مَنْ عِنْدَهُ
حُسْنُ الثَّوَابِ - يَا مَنْ عِنْدَهُ
أَمُّ الْكِتَابِ - يَا مَنْ لَهُ الْفَضْلُ
وَالْإِسْمَالُ - يَا مَنْ لَهُ حُسْنُ
النَّوَالِ *

< * * * >

ده نام پنجم از هزار و يك نام

يَا حَكِيمًا - يَا مُتَمَنِّيًا - يَا دَيَّانًا -
يَا بَزْهَانًا - يَا سُبْحَانًا - يَا سَلْطَانًا -

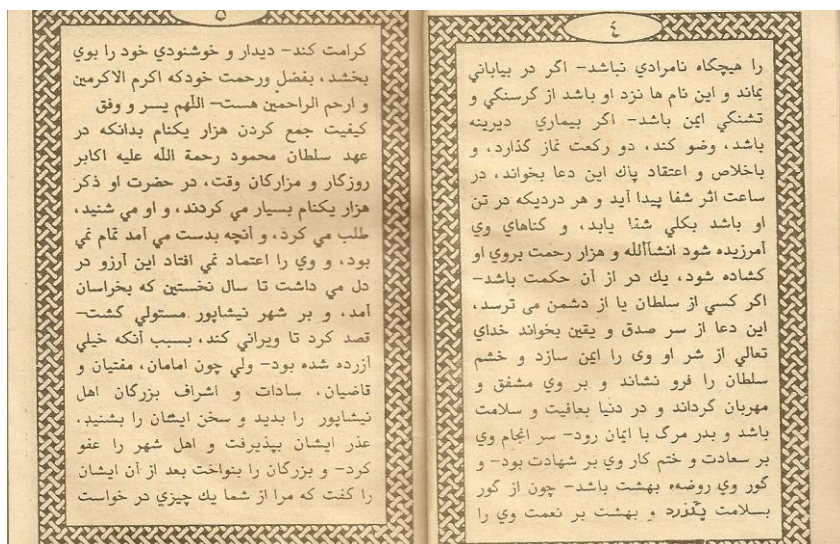
يَا غَفْرَانُ - يَا ذَا الْأَمَانِ - يَا ذَا الْبَيَانِ -
يَا مُسْتَعَانُ - يَا آلَه *

< * * * >

ده نام ششم از هزار و يك نام

يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ -
يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ -
يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ -
يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِهِ - يَا مَنْ
دَانَ كُلُّ شَيْءٍ لِحُكْمَتِهِ - يَا مَنْ
تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ خَشْيَتِهِ -
يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ بِإِغْرَمِهِ -
يَا مَنْ اسْتَقْرَوَتِ الْأَرْضُ بِإِلَانِهِ -
يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ *

< * * * >



دعای یک هزار و یک نام خداوند کریم و لله الاسماء الحسنی

فهرست

- (1) برای رفع حاجات
- (2) (الخفیات)
- (3) برای نصرت و کامیابی
- (4) برای حصول عزت (الله العز والجلال کان عزت جی گهر)
- (5) برای استعانت (الله تعالی جی مدد)
- (6) (طلب نصرت من عظمته، هیبتہ و قدرته)
- (7) (کشف بلا، فتح الرزق،
- (8) (طلب مغفرت، عفو و رضا، من و عطا

- (9) ڀرائي بازداشتن دشمن (دشمن کي پري رکڻ)
- (10) ڪرب کان ڪشف، غمن کان چوٽڪارو، الله کان مدد
- (11) اهڪاين، شدت، وحشت، غربت، ڪربت خلاف الله جي مدد
- (12) ڀرائي خواب (ننڊ لاءِ)
- (13) الله جي جمال، لطف عزيز جي مدد لاءِ
- (14) ڀرائي دفع تپ
- (15) ڀرائي رسيدن روز (روزگار لاءِ)
- (16) ڀرائي رفع سايه ديو (جن، پوت، پري، جادو کان بچاءُ لاءِ)
- (17) ڀرائي (رفع) سايه ديو و پري
- (18) الله جي بادشاهت ۽ عظمت رحمت ۽ لطف کي ٻاڏائڻ
- (19) ڀرائي رفع باد سرخ، (الرجي، خارش، چمڙي جي بيمارين کان)
- (20) از ڀرائي قوت يافتن (روزگار يا رزق يا سگهه، دشمن مٿان سگهاري ٿيڻ لاءِ، سوڀ لاءِ)
- (21) ڀرائي بر آمدن ڪارها (دنيا ۽ آخرت جي ڪمن جي پورائي لاءِ)
- (22) ڀرائي دفع جملہ بلاها (سڀني مصيبتن کي هٽائڻ لاءِ)
- (23) ڀرائي روشنائي ڪارها (ڪمن جي سهڪي ٿيڻ لاءِ)
- (24) الله جي نعمتن ۽ رحمتن لاءِ
- (25) از دشمنان امان يافتن (دشمنن کان امن حاصل ڪرڻ لاءِ)
- (26) الله جي سخا ۽ ربوبيت مان حصو حاصل ڪرڻ لاءِ
- (27) ڀرائي نيڪوئي حال (حالتن جي سڌاري لاءِ)
- (28) ڀرائي نگاهستن ايمان (ايمان جي بچاءُ يا حفاظت لاءِ)
- (29) (الله جي قائميت، حاڪميت ۽ رحمت کان رزق جي ڪشادگي لاءِ)

- (30) ڀراري ڊولٽ و بخت
- (31) ڀراري ڊولٽ ڄاويد (هيشه رهڻ واري ڊولٽ لاءِ)
- (32) ڀراري نگاهداشتن از بدي (برائن ڪان حفاظت لاءِ دعا)
- (33) ڀراري ڪشادن مهمات (مهمات سر ڪرڻ لاءِ)
- (34) ڀراري افزوني ڊولٽ و نعمت (ڊولٽ ۽ نعمت جي واڌاري لاءِ)
- (35) ڀراري بر آمدن التماس (دعا جي پوري ٿيڻ يا قبوليت لاءِ)
- (36) ڀرائي برڪت
- (37) الله جي ڪافي وافي شافي هادي جي مدد لاءِ
- (38) ڀرائي آساني ڪارها (ڪمن جي آسان ٿيڻ لاءِ)
- (39) ڀرائي دفع جملہ سختيها (مڙني اهاڪين جي ختم ٿيڻ لاءِ)
- (40) ڀرائي آمرزش بزرگان (ابن ڏاڏن جي بخشش لاءِ)
- (41) ڀراري آمرزش گناه (گناهن جي بخشش لاءِ)
- (42) ڀرائي فراخي روزي (رزق جي واڌاري لاءِ)
- (43) ڀراري خوشنودي الله (الله جي خوشنودي، راضي لاءِ)
- (44) ڀراري دفع غم ها (ڳڻتي ۽ غمن جي هٽائڻ لاءِ)
- (45) ڀرائي پيش رفت روزگار (رزق جي واڌاري، ترقي لاءِ)
- (46) ڀرائي هلاڪ دشمن (دشمن شيطان جي دفع، هلاڪ ٿيڻ لاءِ)
- (47) ڀرائي زبان بندي (جيئن دشمن جي زبان جي نقصان کان محفوظ رهڻ لاءِ)
- (48) ڀرائي گمان گشادن (شڪ گمان رفع ڪرڻ لاءِ)
- (49) ڀراري **بازو ڪشيدين** ؟ (ٻانهن يا سڱ ڇڪڻ لاءِ)
- (50) ڀرائي دفع **تخمه** ؟ (بد هضمي کان)
- (51) ڀرائي دفع باد صموم (جهڪن وائڻ جي دفع ٿيڻ لاءِ)
- (52) امان يافتن بيابان (بيابان ۾ امن حاصل ڪرڻ لاءِ)

- (53) برائي گذشتن درياها (دريا ۽ سمنڊ پار ڪرڻ لاءِ)
- (54) برائي دفع جملہ درد ها (سڀني ڏکن اهاڪين جي دفع ٿيڻ لاءِ)
- (55) علم ۽ بصيرت حاصل ڪرڻ لاءِ
- (56) برائي درد بيني (نڪ جي سور دفع ٿيڻ لاءِ)
- (57) برائي درد پيشاني (مٿي جي سور دفع ٿيڻ لاءِ)
- (58) برائي روشنائي چشم (نظر جي چٽائيءَ لاءِ)
- (59) رب پاڪ حبيب طبيب مجيب شفيق رفيق ولي جي مدد لاءِ
- (60) برائي درد چشم (اکين جي سور دفع ڪرڻ لاءِ)
- (61) برائي شب ڪوري (رات جو نه ڏسي سگهڻ جي مرض کان)
- (62) برائي درد بيني (مٿي 56)
- (63) برائي گفتگو ڪرڻ (ڳالهائڻ سان امن ۽ سوڀ لاءِ)
- (64) برائي درد روي (منهن يا وات ۾ سور کان)
- (65) برائي درد ناسور (ڦٽ يا ناسور جي چٽڻ لاءِ)
- (66) برائي درد حلق (گلي يا نڙگهٽ ۾ سور لاهڻ لاءِ)
- (67) مسبب الاسباب کان ڪمن جي سبب پيدا ڪرڻ لاءِ
- (68) برائي درد دندان (ڏندن جي سور کان)
- (69) زندگي ۾ محتاجي کان بچڻ لاءِ
- (70) برائي درد زبان (زبان جي سور کان)
- (71) برائي درد ارنج (هٿن ۾ سور 85)
- (72) شفيق، رفيق حفيظ محيط حميد کان عزت آبرو گهرڻ لاءِ
- (73) برائي درد **قفا (مٿي جي پُٺئين حصي ۾ سور کان)**
- (74) برائي درد گردن (ڪنڌ جي سور کان)
- (75) برائي درد گلو (گلي جي سور کان)

- (76) ٻراي درد قولنج (colic) آٺڊن ۾ وٽ، چيلهه ۾ سور کان
(هيٺ 91)
- (77) رزق ۽ رحمت جي لاءِ
- (78) درد اندام (زناني بيمارين کان)
- (79) ٻراي درد سينه (سيني جي درد کان)
- (80) ٻراي درد دل
- (81) ٻراي درد پستان (کير پياريندڙ عورتن لاءِ؟)
- (82) ٻراي درد جگر
- (83) ٻراي درد ڪتف (ڪُلَهَن ۽ ٻانُهَن جي پٺيان سور)
- (84) ٻراي درد شانه (ڪُلَهي ۾ سور کان)
- (85) ٻراي درد ارنج ؟ (هٿن جي تريءَ ۾ سور کان (مٿي 71)
- (86) ٻراي درد دست (هٿن جي سور کان)
- (87) ٻراي دفع جملہ شرها (سپيني بيڙاين کان بچڻ لاءِ)
- (88) ٻراي درد پُشت (پُٺ جي سور کان)
- (89) ٻراي درد پهلو (پاسي جي سور کان)
- (90) ٻراي درد شڪم (پيٽ جي سور کان)
- (91) ٻراي درد قولنج (مٿي 76) (آٺڊن ۾ وٽ، چيلهه يا پيٽ ۾ سور کان)
- (92) ٻراي بجا آوردن ناف (دُن جاءِ تي آڻڻ لاءِ، چڪيءَ کان)
- (93) ٻراي درد سنوه ؟ (ٻار جڻڻ جي صلاحيت کان وانجهي هئڻ جي صورت ۾)
- (94) ٻراي درد گرده (گردن جي سور کان)
- (95) اين شماره در ڪتاب موجود نيسٽ (اهو نمبر اصل ڪتاب ۾ ڪونهي)
- (96) ٻراي درد زانو (گوڏي جي سور کان)

- (97) براي باد بواسير
- (98) براي درد سنگ مثانه (مٺاني جي پٿريءَ کان)
- (99) عزت ۽ ڪرامت لاءِ
- (100) براي چڪيدن ڪمير (گميز) (پيشاب ۾ ڳاڙي کان)
- دُعاء قبوليت اجمالي
 - اسماءِ سيدنا و مولنا محمد صلي الله عليه وسلم (200)
 - درود مُسْتَعَاث (المُتَغَاثُ اِلى حضرت الله تعالى
 - دعائي مغفرت

دعای یک هزار و یک نام خداوند کریم

و لله الاسماء الحسنی
بسم الله الرحمن الرحيم

(1)

ده نام اول از هزار و یک نام حق تعالی
برای رفع حاجات

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
• یا سید السادات • یا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ • یا وَلِیَّ الحَسَنَاتِ
• یا رفیع الدرجات • یا عظیم البرکات • یا غافر الخَطِیَّاتِ
• یا دافع البلیّات • یا سامع الاصوات • یا مُعْطِی الْمَسَالَاتِ
• یا عَالِمَ السِّرِّ

(2)

ده نام دوم از هزار و یک نام (الخفیات)

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
• یا الله • یا رَحْمَنُ • یا رَحِیْمُ • یا عَلِیْمُ • یا حَلِیْمُ • یا قَدِیْمُ
• یا حَکِیْمُ • یا کَرِیْمُ • یا شَرِیْفُ • یا لَطِیْفُ

(3)

ده نام سیوم از هزار و یک نام خداوند تعالی
برای نصرت و کامیابی

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- يا خيرُ الناصرين • يا خيرَ الحاكمين • يا خيرَ الفاتحين •
- يا خيرَ الوارثين • يا خيرَ حامدين • يا خيرَ المُنزِلين •
- يا خيرَ المُحسنين • يا خيرَ الرازقين • يا خيرَ حامدين •
- يا خيرَ الخالقين • يا خيرَ العارفين، (يا خيرَ الغافرين، يا خيرَ الذاكرين)

(4)

ده نام چهارم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

- یا من له العزُّ والجلال • یا من له الملکُ والجمال •
- یا من له القُدرة والکمال • یا من له الفضل و هو الکبیر •
- الْمُتَعَالُ • یا مُنْشِی السَّحَابِ الثَّقَالِ • یا من هُوَ شَدِیدُ الْعِقَابِ •
- یا من عنده أُمُّ الْکِتَابِ • یا من له الفضل والإِفْضَالُ •
- یا من له حسن التَّوَالِ • (یا من له العزت والجلال، یا من له مُلْکُ والجلال، یا من هُوَ شَدِیدُ الْمَحَالِ، یا من عنده حسن الثواب، یا من هُوَ سَرِیْعُ الْحِسَابِ)

(5)

ده نام پنجم از هزار و یک نام

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

- یا حَنَّانُ • یا مَنَّانُ • یا دَيَّانُ • یا بُرْهَانُ • یا سُبْحَانُ • یا سُلْطَانُ •
- یا غُفْرَانُ • یا ذَا الْأَمَانِ • یا ذَا الْبَیْآنِ • یا مُسْتَعَانُ • یا اللَّهُ •
- (یا رِضْوَانُ، یا ذَا الْمَنِّ وَالْبَیْآنِ)

(6)

ده نام ششم از هزار و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا من تواضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِظَمَتِهِ • يا من اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ
لِقُدْرَتِهِ • يا من خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ • يا من انقاد كل شيءٍ
لِمُلْكِهِ • يا من دان كُلُّ شَيْءٍ لِمُخَالَفَتِهِ • يا من تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ
من خشيتِهِ • يا من قامتِ السَّمُوتُ بامرِهِ • يا مَنْ اسْتَفُوتَ
الارضُ بِاذنِهِ • يا من لا يعتدي على اهل مُملكته • يا من (خلق
الجن والانس بقدرته). (يا منانقاد كُلُّ شَيْءٍ من خشيتِهِ، يا من
استقرت الارضون بِاذنِهِ، يا من تَشَقَّقَتِ الارض من مخافته)

(7)

ده نام هفتم از هزار و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا غَافِرَ الْخَطَايا • يا كاشِفَ الْبَلَايا • يا مُنْتَهِي الرَّجَايا
• يا مُجْزِلَ الْعَطَايا • يا واسِعَ الْهَدَايا • يا رَازِقَ الْبَرَايا
• يا قاضي الْمَنايا (المتايا؟) • يا سَامِعَ الشَّكَايا
• يا باعِثَ الْبَرَايا • يا مُطْلِقَ الْأَسَارِ

(8)

ده نام هشتم از هزار و یک نام

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا ذَا الْمَجْدِ وَالشَّانِ • يا ذَا الْفَجْرِ وَالْبَهَاءِ • يا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَا
• يا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَا • يا ذَا الْمَنِّْ وَالْعَطَاءِ • يا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَا
• يا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَا • يا ذَا النِّعَمِ وَالْأَلَاءِ • يا ذَا الْجُودِ وَالنُّعْمَاءِ
• يا ذَا الْمَنِّْ وَالْعَطَاءِ* (يا ذالحمْد والشَّانِ، يا ذالفخر والبهاء، يا
ذالمجد والسناء، يا ذالفصل والقضاء، يا ذالالاء والنعماء، يا
ذالجود والسخاء)

(9)

ده نام نهم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای بازداشتن دشمن (دشمن کی هتائ، پری کر، دفع کر)
 اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا مانع • یا نافع • یا دافع • یا صانع • یا جامع
 • یا رافع • یا شافع • یا سامع • یا واسع • یا قاطع
 (10)

ده نام دهم از هزار و یک نام حق تعالی
 اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا صانع کُلِّ مَصْنُوْع • یا خالق کُلِّ مَخْلُوْق
 • یا رازق کُلِّ مَرْزُوْق • یا مالک کُلِّ مَمْلُوْک
 • یا کاشف کُلِّ مَکْرُوْب • یا فارج کُلِّ مَغْمُوْم
 • یا راحم کُلِّ مَرْحُوْم • یا ناصر کُلِّ مَنصُوْر
 • یا سائر کُلِّ مَعِیُوْب • یا ملجأ کُلِّ ضَعِیْف
 • یا مَنجأ کُلِّ نَحِیْف (یا ناصر کُلِّ مَخْدُوْل، یا ملجأ کُلِّ مَطْرُوْد،
 یا فارج کُلِّ مَهْمُوْم)

(11)

ده نام یازدهم از هزار و یک نام حق تعالی
 اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا عُدَّتِیْ عِنْدَ کُلِّ شَدَّتِیْ • یا رَجَائِیْ عِنْدَ کُلِّ مُضِیْقَتِیْ
 • یا مُوَسِّیْ عِنْدَ وَحْشَتِیْ • یا صَاحِبِیْ عِنْدَ غُرْبَتِیْ
 • یا وَلِیَّیْ عِنْدَ نَعْمَتِیْ • یا غِیَاثِیْ عِنْدَ گُرْبَتِیْ • یا دَلِیْلِیْ عِنْدَ
 اِفْتِقَارِیْ • یا مَلْجَئِیْ عِنْدَ اضْطِرَّارِیْ • یا مُنْجَئِیْ عِنْدَ مَفْزَعِیْ
 (12)

ده نام دوازدهم از هزار و یک نام خداوند تعالی
 برای خواب

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا عَالِمَ الْغُيُوبِ • يا غَافِرَ الذُّنُوبِ • يا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ
- يا طَيِّبَ الْقُلُوبِ • يا مُزِيلَ الْكُرُوبِ • يا حَبِيبَ الْقُلُوبِ
- يا اَنِيسَ الْقُلُوبِ • يا غِيَاثَ كُلِّ مَنْكُوبِ
- يا طَالِبَ كُلِّ مَطْلُوبِ • يا مَنْ لَهُ الْوَعْدُ غَيْرُ مَكْذُوبِ

(13)

ده نام سیزدهم از هزار و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا جَلِيلُ • يا جَمِيلُ • يا كَفِيلُ • يا دَلِيلُ • يا مُقِيلُ
- يا خَلِيلُ • يا لَطِيفُ • يا عَزِيزُ • يا مَالِكُ

(14)

ده نام چهاردهم از هزار و یک نام حق تعالی

براي دفع تب

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ • يا دَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ
- يا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِحِينَ • يا أَمَانَ الْخَائِفِينَ
- يا رَجَاءَ الْمُسْتَجِيرِينَ • يا مَلْجَأَ الْعَاصِينَ
- يا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ • يا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ
- يا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ • يا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ

(15)

ده نام پانزدهم از هزار و یک نام حق تعالی

براي رسیدن روز

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ • يا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنَانِ
- يا ذَا الْمَنِّ وَالْأَمَانِ • يا ذَا الْقُدْسِ وَالسَّبْحَانِ

- يا ذا الحكمة والبيان • يا ذا العِظْمَةِ والسلطان
- يا ذا الرحمة والرضوان • يا ذا الرَّافَةِ والمُستعان
- يا ذا العفو والغفران • يا ذا المنِّ والامتنان

(16)

ده نام شانزدهم از هزار و یک نام حق تعالی

براي دفع سایه دیو (اعاذ بظل الشیطان)

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مَنْ هو ربُّ كُلِّ شيءٍ • يا مَنْ هو خالق كل شيءٍ
- يا مَنْ هو صانع كل شيءٍ • يا مَنْ هو فوق كل شيءٍ
- يا مَنْ هو قبل كل شيءٍ • يا مَنْ هو بعد كل شيءٍ
- يا مَنْ هو عالمٌ بكل شيءٍ • يا مَنْ هو قادر على كل شيءٍ
- يا مَنْ هو يبقی و یفنی كل شيءٍ • يا مَنْ لا يُغَيِّرُهُ كل شيءٍ

(17)

ده نام هفدهم از هزار و یک نام حق تعالی

براي سایه دیو و پري

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مُؤْمِن • يا مُهَيِّمِن • يا مُكَوِّن • يا مُلْكِن • يا مُبَيِّن
- يا مُهَوِّن • يا مُزَيِّن • يا مُعْظِم • يا مُقَدِّم • يا مُكْرِم

(18)

ده نام هشتادهم از هزار و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مَنْ هو مُلكُهُ مُقِيم • يا مَنْ هو في جماله عظيم
- يا مَنْ هو في سلطانه قديم • يا مَنْ هو في تقديره قديم
- يا مَنْ هو على عباده رحيم • يا مَنْ هو في بكل شيءٍ عليم
- يا مَنْ هو بمن جفاةٌ حلیم • يا مَنْ في حكمه لطيف

• یا من هو فی عظمتہ کبیر • یا من هو عالمُ بالنقیر والقطمیر

(19)

ده نام نوزدهم از هزار و یک نام حق تعالی

برای دفع باد سرخ

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا مَنْ لا یرجى الا فضلُهُ • یا مَنْ لا یخاف الا عدلُهُ

• یا مَنْ لا یَنْظُرُ اِلَّا الی رحمتِهِ • یا مَنْ سبقت رحمتُهُ علی غضبِهِ

• یا مَنْ احاط بكل شیء علمُهُ • یا مَنْ لیس کمثله شیء

• یا مَنْ لیس له نظیر • یا من لا یُوجدُ له شبیه

• یا من لا یرى له ضد • یا من لا یُضافُ اِلیهِ ند

(20)

ده نام بیستم از هزار و یک نام حق تعالی

از برای قوت یافتن

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا فارِجُ الْهُمِّ • یا کاشِفُ الْغَمِّ • یا غافِرُ الذَّنْبِ

• یا قابِلُ الثَّوْبِ • یا خالقُ الْخَلْقِ • یا صادقُ الْوَعْدِ

• یا وافی الْعَهْدِ • یا عالمُ السِّرِّ • یا فائقُ الْحَبِّ • یا رازقُ الْوَعْدِ

(21)

ده نام بیست و یکم از هزار و یک نام حق تعالی

برای بر آمدن کارها

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• اسألك باسمائك یا علی • یا ولی • یا غنی • یا مَلِی • یا

زکی • یا رضی • یا نفی • یا بدی • یا خفی • یا وفی • یا قوی

(22)

ده نام بیست و دوم از هزار و یک نام حق تعالی

برای دفع جمله بلاها

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا من ظَفَرِ الجَمیل
- یا من لا یَاخُذُهُ بِالْجَزِیْرَةِ
- یا من سَتَرَ عَلَی الْقَبِیْحِ
- یا من لَمْ یَهْتِکَ السَّیْرَ
- یا عَظِیْمَ الْعَفْوِ
- یا حُسْنَ التَّجَاوُزِ
- یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ
- یا بَاسِطَ الْیَدِیْنِ بِالرَّحْمَةِ
- یا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوٰی
- یا مُنْتَهٰی کُلِّ شَکْوٰی

(23)

ده نام بیست و سویم از هزار و یک نام حق تعالی

برای روشنائی کارها

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا بَدِیْعَ السَّمَوٰتِ وَالْاَرْضِ
- یا عَاجِلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّوْرِ
- یا عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ
- یا مُزِیْلَ الْعُمَرٰتِ
- یا سَاتِرَ الْعَوْرٰتِ
- یا کَاشِفَ الْبَلِیَّاتِ
- یا مُحِیَ الْاَمَوٰتِ
- یا مُنْزِلَ الْبَرَکٰتِ
- یا مُضَاعِفَ الْحَسَنٰتِ
- یا شَدِیْدَ النَّقَمٰتِ

(24)

ده نام بیست و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ
- یا ذَا الرِّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ
- یا ذَا الْمِثَّةِ السَّابِقَةِ
- یا ذَا الْقُدْرَةِ الْکَامِلَةِ
- یا ذَا الْکَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ
- یا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ
- یا ذَا الصِّفَةِ الظَّاهِرَةِ
- یا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ
- یا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِیْنَةِ

(25)

ده نام بیست و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی

از دشمنان امان یافتن

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا مُصَوِّرُ • یا مُسَيِّرُ • یا مُدَبِّرُ • یا مُنَوِّرُ • یا مُطَهِّرُ
• یا مُبَشِّرُ • یا مُنْذِرُ • یا مُقَدِّمُ • یا مُؤَخِّرُ • یا مُیَسِّرُ

(26)

ده نام بیست و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ • یا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمُقَامِ
• یا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ • یا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ
• یا رَبَّ الثُّورِ وَالظِّلَامِ • یا رَبَّ الثَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ
• یا رَبَّ الْجُودِ وَالْاَنْعَامِ

(27)

ده نام بیست و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای نیگوئی حال

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا اَحْكَمَ الْحَاكِمِيْنَ • یا اَعْدَلَ الْعَادِلِيْنَ • یا اَصْدَقَ الصَّادِقِيْنَ
• یا اَظْهَرَ الظَّاهِرِيْنَ • یا اَحْسَنَ الْخَالِقِيْنَ • یا اَسْرَعَ الْخَاسِبِيْنَ
• یا اَسْمَعَ السَّامِعِيْنَ • یا اَشْفَعَ الشَّافِعِيْنَ • یا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ
• یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

(28)

ده نام بیست و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای نگاه داشتن ایمان (ایمان جی حفاظت لاء)

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ • یا سَدَدَ مَنْ لَا سَدَدَ لَهُ
• یا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ • یا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ
• یا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ • یا فُخْرَ مَنْ لَا فُخْرَ لَهُ

• يا عَزَّ مِنْ لَا عِزَّ لَهُ • يا مُعِينٌ مِنْ لَا مُعِينَ لَهُ
• يا اَنِيسٌ مِنْ لَا اَنِيسَ لَهُ • يا غَنِيَّةٌ مِنْ لَا غَنِيَّةَ لَهُ

(29)

ده نام بیست و نهم از هزار و یک نام حق تعالی
اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا قَائِمٌ • يا دَائِمٌ • يا رَاحِمٌ • يا سَالِمٌ • يا حَاكِمٌ
• يا عَالِمٌ • يا عَاصِمٌ • يا قَسَّامٌ • يا قَابِضٌ • يا بَاسِطٌ

(30)

ده نام سیّم از هزار و یک نام حق تعالی
برای دولت و بخت

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا عَاصِمٌ مِنْ اسْتِعْصَمَ بِهِ • يا رَاحِمٌ مِنْ اسْتَرْحَمَهُ
• يا غَافِرٌ مِنْ اسْتَغْفَرَهُ • يا نَاصِرٌ مِنْ اسْتَنْصَرَهُ
• يا حَافِظٌ مِنْ اسْتَحْفَظَهُ • يا مُكْرِمٌ مِنْ اسْتَكْرَمَهُ
• يا مُرْشِدٌ مِنْ اسْتَرْشَدَهُ • يا صَرِيحٌ مِنْ اسْتَصْرَحَهُ
• يا مُعِينٌ مِنْ اسْتَعَانَهُ • يا مُغِيثٌ مِنْ اسْتَعَاثَهُ

(31)

ده نام سی و یکم از هزار و یک نام حق تعالی
برای دولت جاوید

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا كَرِيْمَ الصَّفْحِ • يا عَظِيْمَ الْمَنِّ • يا كَثِيْرَ الْخَيْرِ
• يا قَدِيْمَ الْفَضْلِ • يا دَائِمَ الْلُطْفِ • يا لَطِيْفَ الصَّنْعِ
• يا مُنْقِصَ الْكَرْبِ • يا كَاشِفَ الضُّرِّ • يا مَالِكَ الْمُلْكِ
• يا قَاضِيًّا بِالْحَقِّ

(32)

ده نام سي ودوم از هزار ويک نام حق تعالی
براي نگاه داشتن بدي (براین کان پاڻ بچائڻ لاءِ)

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا عَزِيْزًا لَا يُضَامُ • يا لَطِيْفًا لَا يُرَامُ • يا قَيُّوْمًا لَا يَنَامُ
- يا دَائِمًا لَا يَفُوْتُ • يا حَيًّا لَا يَمُوْتُ • يا مَلِكًا لَا يَزُوْلُ
- يا باقِيَا لَا يَفْنَى • يا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ • يا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ
- يا قَوِيًّا لَا يُضَعَفُ

(33)

ده نام سي و سيوم از هزار ويک نام حق تعالی
براي کشادن مُهمات (دکن ۽ ڏاکڻن لاهڻ لاءِ)

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا اِلٰهَ • يا وَاَحَدُ • يا شَاهِدُ • يا مَاجِدُ • يا حَامِدُ
- يا رَاشِدُ • يا بَاعِثُ • يا وَاَرِثُ • يا نَافِعُ • يا ضَارُّ

(34)

ده نام سي و چهارم از هزار ويک نام حق تعالی
براي افزوني نعمت و دولت

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا اَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيْمٍ • يا اَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيْمٍ
- يا اَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيْمٍ • يا اَعْلَمُ مِنْ كُلِّ عَلِيْمٍ
- يا اَحْكَمُ مِنْ كُلِّ حَكِيْمٍ • يا اَقْدَمُ مِنْ كُلِّ قَدِيْمٍ
- يا اَكْبَرُ مِنْ كُلِّ كَبِيْرٍ • يا لَطِيْفُ مِنْ كُلِّ لَطِيْفٍ
- يا اَجَلُ مِنْ كُلِّ جَلِيْلٍ • يا اَعَزُّ مِنْ كُلِّ عَزِيْزٍ

(35)

ده نام سي و پنجم از هزار ويک نام حق تعالی
براي برآمدن التماس

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا مَنْ هُوَ عَهْدُهُ وَفِیَّ • یا مَنْ هُوَ فِی وَفائِهِ قُوِّیْ
- یا مَنْ هُوَ فِی قُوَّتِهِ عَلَیَّ • یا مَنْ هُوَ فِی عُلُوِّهِ قَرِیْبُ
- یا مَنْ هُوَ قُرْبُهُ لَطِیْفُ • یا مَنْ هُوَ فِی فَضْلِهِ شَرِیْفُ
- یا مَنْ هُوَ فِی شَرْفِهِ عَزِیْزُ • یا مَنْ هُوَ فِی عِزِّهِ عَظِیْمُ
- یا مَنْ هُوَ فِی عَظَمَتِهِ مَجِیْدُ • یا مَنْ هُوَ فِی مَجْدِهِ حَمِیْدُ

(36)

ده نام سی و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

برای برکت

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ خَاضِعٌ لِّهِ • یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ کَائِنٌ لِّهِ
- یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ مَوْجُوْدٌ لِّهِ • یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ مَنِیْبٌ اِلَیْهِ
- یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ • یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ قَائِمٌ بِهِ
- یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ یُسَبِّحُ لِّهِ • یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ خَاشِعٌ لِّهِ
- یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ صَابِرٌ اِلَیْهِ
- یا مَنْ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ

(37)

ده نام سی و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا کَافِی • یا وَافِی • یا شَافِی • یا مُعَافِی • یا هَادِی
- یا دَاعِی • یا قَاضِی • یا رَاضِی • یا عَالِی • یا باقی

(38)

ده نام سی و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی

برائی آسانی کارها

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

• يا من لا مَقَرَّ (مَقَرَّ) إِلَّا إِلَيْهِ • يا من لا مَفَرَّ (مَفَرَّ؟) إِلَّا إِلَيْهِ
 • يا من لا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ * يا من لا مَنجِي مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ
 • يا من لا مَقَرَّ إِلَّا إِلَيْهِ • يا من لا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْهِ
 • يا من لا يُرْعَبُ إِلَّا إِلَيْهِ • يا من لا يُسْتَعَاثُ إِلَّا إِلَيْهِ
 • يا من لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ • يا من لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ (يُسْتَعَاثُ)
 إِلَّا بِهِ * يا من لا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ) يا من لا يُرْجَى إِلَّا هُوَ، يا من لا
 يُعْبَدُ إِلَّا إِيَّاهُ، • يا من لا رَحْمَةً إِلَّا لَهُ
 (39)

ده نام سي ونهم از هزار ويك نام حق تعالى

برائي دفع جمله سختيها

اَللّٰهُمَّ اِنِى اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا خَيْرَ الْمَوِّ هُوِيْن (مرهويين) • يا خَيْرَ الْمَطْلُوْبِيْنَ
 • يا خَيْرَ الْمَرْغُوْبِيْنَ • يا خَيْرَ الْمَوْغُوْبِيْنَ • يا خَيْرَ الْمُسْتَوْلِيْنَ
 • يا خَيْرَ الْمَقْصُوْدِيْنَ • يا خَيْرَ الْمَذْكُوْرِيْنَ • يا خَيْرَ الْمَشْكُوْرِيْنَ
 • يا خَيْرَ الْمَحْبُوْبِيْنَ • يا خَيْرَ الْمَدْعُوِيْنَ • يا خَيْرَ الْمُسْتَانْسِيْنَ
 (المُستأنسين؟)

(40)

ده نام چهل از هزار ويك نام حق تعالى

برائي آمرزش بزرگان (بزرگن جي بخشش لاءِ)

اَللّٰهُمَّ اِنِى اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• يا من خَلَقَ فَسَوَّى • يا من هُوَ قَدَّرَ فَهَدَى
 • يا من هُوَ يَكْشِفُ الْبَلَوَى • يا مَنْ هُوَ يَسْمَعُ النَّجْوَى
 • يا مَنْ هُوَ يُنْذِرُ الْغَرْقَى • يا مَنْ هُوَ مُنْجِي الْهَلَكَا (هلڪي؟)
 • يا مَنْ هُوَ يَشْفِي الْمَرْضَى • يا مَنْ هُوَ اَمَاتَ فَاحْيَا

• يا مَنْ هُوَ اعطى فاغنى • يا ربَّاهُ (*) يا مَنْ خلق الزوجين الذَّكر
و الأنثى)

(41)

ده نام چهل و یکم از هزار و یک نام حق تعالی
برائی آمرزش گناه

اللَّهُمَّ اني أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ • يا غافِرُ • يا ساتِرُ • يا قاهرُ • يا
قادرُ • يا فاطرُ (*) (يا كاسِرُ)، (يا ذاكرُ)
• يا شاکِرُ • يا ناظرُ • يا ناصرُ • يا جابرُ • يا حاضرُ

(42)

ده نام چهل و دویم از هزار و یک نام حق تعالی
برائی فراخی روزی

اللَّهُمَّ اني أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يا مَنْ هُوَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بَرِيَّتُهُ (سَبِيلُهُ؟) • يا مَنْ هُوَ فِي
الْأَفَاقِ أَيْتُهُ، • يا مَنْ هُوَ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ • يا مَنْ هُوَ فِي
الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ • يا مَنْ هُوَ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ • يا مَنْ هُوَ فِي
الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ
• يا مَنْ هُوَ فِي الْحَسَنَاتِ هَيْبَتُهُ، (يا مَنْ هُوَ فِي الْحَسَابِ) هَيْبَتُهُ •
يا مَنْ هُوَ فِي الْمِيزَانِ حِسَابُهُ (يا مَنْ هُوَ فِي الْمِيزَانِ قِضَاؤُهُ)،
• يا مَنْ هُوَ فِي الْجَنَّةِ مُحَبَّتُهُ (يا مَنْ هُوَ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ؟) • يا
مَنْ هُوَ فِي النَّارِ عَذَابُهُ (يا مَنْ هُوَ فِي النَّارِ عِقَابُهُ)

(43)

ده نام چهل و سوم از هزار و یک نام حق تعالی
برائر خوشنودی رب تعالی

اللَّهُمَّ اني أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ • يا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ

• یا اعظم من کُلِّ عظیم • یا اَعزُّ من کُلِّ عزیز
 • یا اجل من کُلِّ جلیل • یا اقوی من کُلِّ قوی
 • یا اغنی من کُلِّ غنی • یا اجدد من کُلِّ جواد
 • یا اراف من کُلِّ رؤوف • یا ارحم من کُلِّ رحیم
 (یا أبصر من کُلِّ بصیر. یا اخبر من کُلِّ خبیر. یا اشرف من کُلِّ شریف. یا ارفع من کُلِّ شریف)

(44)

ده نام چهل و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی
 برائی دفع غمها

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 • یا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ • یا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصَدُ الْمُنِيبُونَ
 • یا مَنْ إِلَيْهِ يُلْجَأُ الْعَاصُونَ (یا مَنْ إِلَيْهِ يُلْجَأُ الْمُتَحِيرُونَ)
 • یا مَنْ إِلَيْهِ يَرْعَبُ الرَّاهِدُونَ • یا مَنْ إِثَاءَهُ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ
 • یا مَنْ (به) يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ • یا مَنْ بِهِ يَفْتَحِرُ الْمُحْسِنُونَ (یا
 مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ) • یا مَنْ بِهِ يَسْكُنُ الْمُؤَقِّنُونَ
 • یا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ • یا مَنْ إِلَيْهِ يَتَوَسَّلُ الْمُجِبُّونَ.
 (یا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ)، * یا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ
 الْمُوقِنُونَ)، * یا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ).

(45)

ده نام چهل و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی
 برائی پیش رفت روزگار

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 • یا حَبِيبُ • یا قَرِيبُ • یا رَقِيبُ • یا مُجِيبُ • یا حَسِيبُ
 • یا بَصِيرُ • یا خَبِيرُ • یا مَتِينُ • یا حَيُّ • یا قَيُّومُ

(46)

ده نام چهل و ششم از هزار و یک نام حق تعالی
برائی هلاک دشمن

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا غالباً غیر مغلوب
- یا صانعاً غیر مصنوع
- یا خالقاً غیر مخلوق
- یا مالکاً غیر مملوک
- یا قاهرّاً غیر مقهور
- یا رافعاً غیر مرفوع
- یا حافظاً غیر محفوظ
- یا ناصرّاً غیر منصور
- یا شاهداً غیر غائب
- یا قریباً غیر بعیداً

(47)

ده نام چهل و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی
برائی زبان بندی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا نُورُ النُّورِ • یا نورَ کُلِّ نُورِ • یا نوراً لیس مثله نورُ
- یا نوراً قَبْلَ کُلِّ نورِ • یا نوراً بَعْدَ کُلِّ نورِ
- یا نوراً لیس مغه نورُ • یا نوراً (لیس؟) یَکُونُ مَعَهُ نورُ
- یا نوراً لَا یُحِیْطُ بِهِ نورُ (یا مُنَوَّرُ النورِ، یا خالق النورِ، یا مُدبِرُ النورِ، یا مُقَدِّرُ النورِ، یا نور فوق کُلِّ نورِ، یا نوراً لیس کمثله نور

(48)

ده نام چهل و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی
برای کمان کشادن (گمان کشادن؟)

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

- یا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِیفٌ • یا مَنْ صَنَعُهُ لَطِیفٌ
- یا مَنْ لُطْفُهُ مُسْتَقِیمٌ • یا مَنْ اَحْسَنَهُ قَدِیمٌ

• یا من قوله حق • یا من وعده صدق • یا من عفوهُ فضل
 • یا من عذابه عدل • یا من ذكره خلو • یا من انسهِ لذیذ
 (یا من فعله لطیف، یا مِ لطفه مُقیم، یا من فضله عمیم)

(49)

ده نام چهل و نهم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای بازو کشیدن (بانهن چکڑ لاء، یعنی شادی لاء چوکریء
 جو سگ گھڑٹ لاء)

اللهم اني أسئلك باسمك
 • یا مُؤَوِّل • یا مُحَوِّل • یا مُفَضِّل • یا مُوَصِّل • یا مُفَضِّل
 • یا مُبَدِّل • یا مُسَهِّل • یا مُدَلِّل • یا مُجَمِّل • یا مُكَرِّم (یا
 مُجَزِّل، یا مُمَهِّل، یا مُجَمِّل، یا مُبَدِّل، یا مُدَلِّل، یا مُنَزِّل، یا مُنَوِّل)

(50)

ده نام پنجاهم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای دفع تخمه

اللهم اني أسئلك باسمك
 • یا من يرى و لا يرى في الدنيا • یا من يخلق و لا يخلق
 • یا من يهدي و لا يهدي • یا من يحيي و لا يحيي
 • یا من يطعم و لا يطعم • یا من يجير و لا يجار عليه
 • یا من يقضي و لا يقضى عليه • یا من يحكم و لا يحكم عليه
 • یا من يحسن و لا يحسن إليه
 • یا من يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد

(51)

ده نام پنجاه و یکم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای دفع باد سموم

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- یا نِعَمَ الْحَبِیْبُ • یا نِعَمَ الطَّیِّبُ • یا نِعَمَ الْقَرِیْبُ
- یا نِعَمَ الْمُجِیْبُ • یا نِعَمَ الرَّقِیْبُ • یا نِعَمَ الْحَسِیْبُ
- یا نِعَمَ الْاَنِیْسُ • یا نِعَمَ الْمُعِیْنُ • یا نِعَمَ الْمُؤَلِّی • و یا نِعَمَ النَّصِیْرُ* یا نِعَمَ الْوَكِیْلُ، یا نِعَمَ الْكَفِیْلُ،

(52)

ده نام پنجاه و دوم از هزار و یک نام حق تعالی
برای امان یافتن بیابان

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- یا رَبَّنَا • یا اِلَهَنَا • یا سَيِّدَنَا • یا مَوْلَانَا • یا ناصِرَنَا • یا حَفِظَنَا •
 - یا قَادِرًا عَلَیْنَا • یا ذَلِیْلَنَا • یا مُعِیْتَنَا • یا حَبِیْبَنَا • یا طَیِّبَنَا، یا
- الله

(53)

ده نام پنجاه و سوم از هزار و یک نام حق تعالی
برای گذشتن دریاها

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- یا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ • یا رَبَّ النَّبِیِّیْنَ وَالْاَخِیَارِ
 - * یا رَبَّ النَّبِیِّیْنَ وَالْاَبْرَارِ، * یا رَبَّ الصِّدِّیْقِیْنَ وَالْاَخِیَارِ،
 - یا رَبَّ الصِّدِّیْقِیْنَ وَالْاَبْرَارِ • یا رَبَّ الصِّغَارِ وَالْکِبَارِ
 - یا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالْاَشْجَارِ (یا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالْاَثْمَارِ) یا رَبَّ
 - الْحُبُوبِ وَالْثَمَارِ، یا رَبَّ الْبَرَارِیِ وَالْبَحَارِ
 - یا رَبَّ الْاَوْدِیَّةِ وَالْاَنْهَارِ • یا رَبَّ الْجِبَالِ وَالصِّخَارِ
 - یا رَبَّ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ • یا رَبَّ الْاَعْلَانِ وَالْاَسْرَارِ
 - یا رَبَّ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ، (یا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالْاَشْجَارِ، یا رَبَّ الصَّحَارِیِ
- وَالْقِفَارِ).

(54)

ده نام پنجاه و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی
برای دفع جمله دردها

اللَّهُمَّ اني أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا سُورُورَ العارِفِينَ • يا أُنَيْسَ المُرِيدِينَ • يا مُرَادَ المُشْتاقِينَ
 - يا حَبِيبَ الثَّوَابِينَ • يا رازِقَ المُقْلِينَ • يا رَجاءَ المُذْنِبِينَ
 - يا مُنْقِيسا عَنِ المَكْرُوبِينَ • يا مُفَرِّحا عَنِ المَغْمُومِينَ
 - يا مُرَوِّحا عَنِ المَحْزُونِينَ • يا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
 - (يا مُنْئِي المُحِبِّينَ، يا قُرَّةَ عَيْنِ العابِدِينَ، يا مُفَرِّجا عَنِ المَغْمُومِينَ،
- سُبْحانَكَ.

(55)

ده نام پنجاه و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اني أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مَنْ نَقَدَ كُلَّ شَيْءٍ بَصَرُهُ • يا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
 - يا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ قُدْرَتِهِ • يا مَنْ لَا يُحْصِي الْعِبَادُ نِعْمَاؤُهُ
 - يا مَنْ وَلَا يَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ • يا مَنْ لَا يُرْكُ الْأَفْهَامُ جَلالَهُ
 - يا مَنْ لَا يَنالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ • يا مَنْ الْعِظَمَةُ وَالْكِبَرِيَاءُ جَلالُهُ
 - يا مَنْ تَعَزَّزَ بِالْعِزَّةِ بِقَاؤُهُ • يا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْجَلالِ لِكَمالِهِ (يا مَنْ
 - نَقَدَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ، يا مَنْ لَا تُرَدُّ الْعِبَادُ قِضائُوهُ، يا مَنْ لَا
 - مُلْكَ إِلَّا مُلْكُهُ، يا مَنْ لَا عِطَاءَ إِلَّا عِطَاؤُهُ، يا مَنْ عِظَمَةُ وَالْكِبَرِيَاءُ
- رِداؤُهُ

(56)

ده نام پنجاه و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد بینی

اللَّهُمَّ اني أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا من لَهُ المَثَلُ الاعلی • یا من له الصِّفَاتُ العلی
 • یا من لَهُ الآخِرَةُ وَالْأُولَى • یا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ الْمَاءِوَى
 • یا من لَهُ النَّارُ لَطَى • یا مَنْ لَهُ الْآيَةُ الْكُبْرَى
 • یا من لَهُ الاسماءُ الحُسْنَى • یا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ
 • یا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرَى • یا مَنْ لَهُ الْفَضْلُ وَ الْبَهَا) یا من له
 السَّمُوتُ الْعَلِی

(57)

ده نام پنجاه و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای درد پیشانی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
 • یا من فی السَّمَاءِ عَظَمَتُهُ • یا من فی الارضِ آيَتُهُ
 • یا مَنْ فی كُلِّ شَیْءٍ دَلَالَتُهُ • یا من فی الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ
 • یا من یَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُ • یا من فی الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ
 • یا من احْسَنَ كُلِّ شَیْءٍ خَلْقَهُ • یا مَنْ یَرْجِعُ اِلَیْهِ الْأُمُورُ كُلَّهَا
 • یا من أَظْهَرَ فی كُلِّ شَیْءٍ لُطْفَهُ • یا من تَصَرَّفَ فی الْخَلَائِقِ
 قُدْرَتُهُ

(58)

ده نام پنجاه و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای روشنائی چشم

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
 • یا عَفُو • یا عَفْوَر • یا وَدُود • یا رَوْف • یا عَطُوف • یا شُكُور
 • یا صَبُور • یا حَی • یا قَیُّوْم • یا قُدُّوس • یا مَسْئُول • یا اللَّهُ
 • یا رَحْمَن، یا سُبُّوح

(59)

ده نام پنجاه و نهم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- یا حَبِیْبَ مَنْ لَا حَبِیْبَ لَهُ • یا طَبِیْبَ مَنْ لَا طَبِیْبَ لَهُ
- یا مُجِیْبَ مَنْ لَا مُجِیْبَ لَهُ • یا شَفِیْقَ مَنْ لَا شَفِیْقَ لَهُ
- یا رَفِیْقَ مَنْ لَا رَفِیْقَ لَهُ • یا شَفِیْعَ مَنْ لَا شَفِیْعَ لَهُ
- یا مُعِیْثَ مَنْ لَا مُعِیْثَ لَهُ • یا دَلِیْلَ مَنْ لَا دَلِیْلَ لَهُ
- یا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ • یا وَلِیَّ مَنْ لَا وَلِیَّ لَهُ
- (یا اَنِیْسَ مَنْ لَا اَنِیْسَ لَهُ، یا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ)

(60)

ده نام شصتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد چشم

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- یا کَافِیَ مَنْ اسْتَکْفَاهُ • یا هَادِیَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ
- یا کَالِیَ مَنْ اسْتَکَلَاهُ • یا رَاعِیَ مَنْ اسْتَرْعَاهُ
- یا شَافِیَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ • یا قَاضِیَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ
- یا مُغْنِیَ مَنْ اسْتَغْنَاهُ • یا مُوفِیَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ
- یا مُقَوِّیَ مَنْ اسْتَقْوَاهُ • یا وَلِیَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ

(61)

ده نام شصت و یکم از هزار و یک نام حق تعالی

برای شب کوری

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- یا مَنْ یُقَلِّبُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ • یا مَنْ خَلَقَ الظُّلُمَتِ وَالنُّوْرَ
- یا مَنْ جَعَلَ الظِّلَّ وَالْحَرُوْرَ • یا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
- یا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیْوَةَ • یا مَنْ لَا یُجِیْرُ وَلَا یُجَارُ عَلَیْهِ

• یا من لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ • یا من لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
 • یا من لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ • یا من لَيْسَ لَهُ شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ

61 (فی شرح اسماء الحسنی لملا هادی)

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِسْمِکَ یا خَالِقُ، یا رَازِقُ، یا ناطِقُ، یا صَادِقُ، یا فَالِقُ، یا فَارِقُ، یا فَاتِقُ، یا رَاتِقُ، یا سَابِقُ، یا سَامِقُ، سُبْحَانَکَ.

(62)

ده نام شصت و دویم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای درد بینی

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

• یا من یَعْلَمُ مُرَادَ الْمُریدِیْنَ • یا من یَقْضِی حَوَائِجَ السَّائِلِیْنَ
 • یا من یَسْمَعُ اَنِّیْنَ الْوَالِهیْنَ • یا من یرِیْ بُكَاءَ الْخَائِفِیْنَ
 • یا من یَعْلَمُ ما فی ضَمِیرِ الصَّامِتِیْنَ • یا من یَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِیْنَ
 • یا من یُصْلِحُ اَعْمَالَ الْمُفْسِدِیْنَ • یا من لا یَبْعُدُ عَن قُلُوبِ
 الْعَارِفِیْنَ • یا من لا یُضِیْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِیْنَ
 • یا من لا یُعْزِبُ عَنْهُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فی الْاَرْضِ وَلَا فی السَّمَاءِ، یا
 اَجُودَ الْاَجُودِیْنَ.

(63)

ده نام شصت و سوم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای گفتگو کردن

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

• یا دَائِمَ الْبَقَاءِ • یا سَامِعَ الدُّعَاءِ • یا وَاسِعَ الْعَطَاءِ
 • یا غَافِرَ الْخَطَاةِ • یا رَافِعَ السَّمَاءِ • یا کَاشِفَ الْبَلَاءِ • یا عَظِیْمَ
 الثَّنَاءِ • یا قَدِیْمَ الثَّنَاءِ • یا کَبِیْرَ الْوَفَاءِ • یا شَرِیْفَ الْجَزَاءِ

(64)

ده نام شصت و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد روء

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

• یا عَقَّارُ • یا سَتَّارُ • یا قَهَّارُ • یا خَلَّاقُ • یا رَزَّاقُ
• یا فَتَّاحُ • یا عَلَّامُ • یا وَهَّابُ • یا حَنَّانُ • یا مَنَّانُ (یا جبار، یا
صبار، یا بار، یا مُخْتار، یا نَفَّاح، یا مُرْتاح)

(65)

ده نام شصت و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد ناسور

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

• یا مَنْ خَلَقَنِيْ فُسَّوَانِيْ • یا مَنْ رَزَقَنِيْ وَ رَبَّانِيْ
• یا مَنْ اطْعَمَنِيْ وَ سَقَانِيْ • یا مَنْ قَرَّبَنِيْ وَ اَدْنَانِيْ
• یا مَنْ عَصَمَنِيْ وَ كَفَّانِيْ • یا مَنْ حَفَظَنِيْ وَ كَلَّانِيْ
• یا مَنْ وَفَّقَنِيْ وَ هَدَّانِيْ • یا مَنْ اَعَزَّنِيْ وَ اَغْنَانِيْ
• یا مَنْ اَمَّانَنِيْ وَ اَحْيَانِيْ • یا مَنْ عَلَّمَنِيْ وَ آوَانِيْ

(66)

ده نام شصت و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد حلق

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ

• یا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَتِهِ • یا مَنْ لَا يُعَقِّبُ (مُعَقَّب؟) لِحُكْمِهِ
• یا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ • یا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ
• یا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ • یا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا بِاِذْنِهِ
• یا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ
• یا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَأُكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ

• يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ • يَا مَنْ يُشْرِئُ الْأَمْوَاتَ
بِحُكْمِهِ (يا من انقاد كل شيء لامره، يا من السموات مطويات
بيمينه)

(67)

ده نام شصت و هفتم از هزار و یک نام حق سبحانه و تعالی
اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يَا مَنْ جَعَلَ الْاَرْضَ مِهَادًا • يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ اَوْتَادًا
• يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا • يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا
• يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا • يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا
• يَا مَنْ جَعَلَ التَّوَمَ سُبَاتًا • يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً
• يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ اَزْوَاجًا • يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا

(68)

ده نام شصت و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی
برای درد دندان
اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يَا سَمِيعٌ • يَا شَفِيعٌ • يَا رَفِيعٌ • يَا مَنِيعٌ • يَا كَبِيرٌ
• يَا بَشِيرٌ • يَا نَذِيرٌ • يَا قَدِيرٌ • (يا قادر) • يَا مُتَكَبِّرٌ • (يا
مُقْتَدِرٌ، يا سریع، يا بديع، يا خبير يا مجير.)

(69)

ده نام شصت و نهم از هزار و یک نام حق تعالی
اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ • يَا حَيُّ الَّذِي يُحْتَاجُ اِلَيْهِ كُلُّ حَيٍّ
• يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ • يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ
• يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ اَبَدًا • يَا حَيُّ الَّذِي حِينَ لَا حَيٍّ

• یا حَیِّ ۚ بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ • یا حَیُّ الذی یُحِی المَوْتی
 • یا خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ. (یا حی الذی یُمِیت کُل حی، یا حی الذی
 یُرْزق کُل حی، یا حی الذی لا یُحْتَاج الی حی، یا حیا لم یرث
 الحیاة من حی، یا حی یا قیوم لا تاخذه سنة و لا نوم)

(70)

ده نام هفتم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای درد زبان

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا مَنْ لَهُ ذِکْرٌ لَا یَنْسِیَ • یا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا یُطْفَأُ
 • یا مَنْ لَهُ نَعِیمٌ لَا یَفْنِیَ • یا مَنْ لَهُ مُلْکٌ لَا یَزُولُ
 • یا مَنْ لَهُ جَلالٌ لَا یَنْقُذُ • یا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا یُرَدُّ
 • یا مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدِّلُ • یا مَنْ لَهُ کَمالٌ لَا یَدْرُکُ
 • یا مَنْ لَهُ ثَناءٌ لَا یُحْصِیَ • یا مَنْ لَهُ نُعُوْتُ لَا تُغَیِّرُ (یا مَنْ لَهُ
 جلال لا یُکَیِّف،

(71)

ده نام هفت و یکم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای درد آرنج

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا رَبَّ الْعالَمِیْنَ • یا مالِکَ یَوْمِ الدِّینِ • یا مَنْ یُحِبُّ الصَّبیْرِینَ
 • یا مَنْ یُحِبُّ الثَّوَابِینَ • یا مَنْ یُحِبُّ الْمُطَهَّرِینَ وَ الْمُتَطَهِّرِینَ
 • یا مَنْ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ • یا مَنْ هُوَ خَیْرُ النَّاصِرِینَ
 • یا مَنْ هُوَ خَیْرُ الْفَاصِلِینَ • یا مَنْ هُوَ خَیْرُ الشَّاکِرِینَ
 • یا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِینَ، (یا مَنْ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ، یا مَنْ هُوَ
 مُدْرِکُ الْهَارِبِینَ.)

(72)

ده نام هفت و دوم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

• یا شَفِیقُ • یا رَفِیقُ • یا حَفِیْظُ • یا مُحِیْطُ • یا حَمِیدُ • یا مَجِیدُ
• یا مُقِیْثُ • یا مُغِیْثُ • یا مُعِزُّ • یا مُذِلُّ (یا مُبْدِیُّ یا مُعِید)

(73)

ده نام هفت و سوم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد قفا

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

• یا مَنْ هُوَ اَحَدٌ بِلَا ضِدِّ • یا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نِدِّ
• یا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَیْبٍ • یا مَنْ هُوَ وَتَرٌ بِلَا کِیْفٍ
• یا مَنْ هُوَ قَدِیرٌ بِلَا کِیْفٍ • یا مَنْ هُوَ قَدِیرٌ بِلَا وَزِیرِ
• یا مَنْ هُوَ عَزِیزٌ بِلَا ذُلِّ • یا مَنْ هُوَ مُحْسِنٌ بِلَا نُظِیْرِ
(یا مَنْ هُوَ رَبُّ بِلَا وَزِیرِ، یا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلَا حِیْفٍ، یا مَنْ هُوَ
غَنِیٌّ بِلَا فَقْرِ، یا مَنْ هُوَ مُلْکٌ بِلَا عِزْلِ، یا مَنْ هُوَ مُوصَوْفٌ بِلَا
شُبْهِه)

(74)

ده نام هفت و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد گردن

اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

• یا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ • یا مَنْ تَعَالٰی جَدُّهُ • یا مَنْ جَلَّ ثَنَاءُهُ
• یا مَنْ لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ • یا مَنْ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاءُوه • یا مَنْ یَدُوْمُ بَقَاءُهُ
• یا مَنْ عَظَمَ (العِظَمَت) بَهَاءُهُ • یا مَنْ الْکِبَرِیَاءُ رَدَاءُهُ • یا مَنْ لَا
یُحْصٰی (تُحْصٰی) اَلَاءُهُ • یا مَنْ لَا یُعَدُّ (تُعَدُّ) نِعْمَاءُهُ.

(75)

ده نام هفت و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد گلو

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يا مُعِينُ • يا اَمِيْنُ • يا مُبِيْنُ • يا مُنِيْبُ • يا شَهِيدُ • يا مُعِيْدُ
• يا مُنِيْر (مُنِيْرُ؟) • يا مُرِيْدُ • يا مُقِيْتُ • يا مَحِيْدُ (يا شديِد، يا
حميد، يا رشيد، يا مكين، يا متين)

(76)

ده نام هفت و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد قولنج

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يا ذَا الْعَرْشِ الْمَحِيْدِ • يا ذَا الْقَوْلِ السَّديِدِ • يا ذَا الْفَضْلِ الرَّشِيْدِ
• يا ذَا الْوَعْدِ وَالْوَعِيْدِ • يا قَرِيْباً غَيْرَ بَعِيْدِ • يا مَنْ هُوَ وَلِيُّ
الْحَمِيْدِ • يا مَنْ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدُ • يا مَنْ هُوَ لَيْسَ
بِظَلَامٍ لِلْعَبِيْدِ • يا مَنْ هُوَ اقْرَبُ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ (يا مَنْ هُوَ
فَعَالٍ لِّمَا يُرِيْدُ، يا ذَا الْفَعْلِ الرَّشِيْدِ، يا ذَا الْبَطْشِ الشَّديِدِ)

(77)

ده نام هفت و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يا مَنْ لَا شَرِيْكَ لَهُ • وَ لَا وَزِيْرَ لَهُ • يا مَنْ لَا شَبِيْهَ لَهُ • وَ لَا نَظِيْرَ
لَهُ • يا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيْرِ • يا مُغْنِي الْبائِسِ الْفَقِيْرِ
• يا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيْرِ • يا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيْرِ
• يا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيْرِ • يا مَنْ الْمُسْتَجِيْرُ بِعِبَادِهِ بِصِيْرُ •
يا مَنْ بِحَوَائِجِ الْعِبَادِ خَبِيْرُ • يا اللهُ (يا مَنْ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيْر، يا جَابِرُ الْعَظْمِ الْكَبِيْرِ)

(78)

ده نام هفت و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد اندام

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا ذا الْجُودِ وَالنَّعَمِ • يا ذا الْجُودِ وَالكَرَمِ • يا ذا الْبَاسِ وَالنَّقَمِ
- يا خالقَ الْلَّوْجِ وَالْقَلَمِ • يا باريَّ الدَّرِّ وَالنَّسَمِ
- يا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ • يا كاشِفَ الضَّرِّ وَالْأَلَمِ
- يا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَمَمِ • يا مَنْ لَهُ الْبَيْتُ وَالْحَرَمُ
- يا مَنْ يَخْلُقُ (خَلَقَ) الْاَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ (يا رب البيت والحرَم)

(79)

ده نام هفت و نهم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد سینه

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا عاِدِلٌ • يا قاِبِلٌ • يا مُفَضِّلٌ • يا واصلٌ • يا فاعِلٌ
- يا عاجِلٌ • يا فارِضٌ • يا عاَلِبٌ • يا طالِبٌ • يا مَطْلُوبٌ
- (يا فاعِلٌ، يا جاعِلٌ، يا كامِلٌ، يا فاصِلٌ، يا واصلٌ، يا واهب)

(80)

ده نام هشتاد و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مَنْ اَعْلَمُ بِالسَّرَائِرِ • يا مَنْ اَنْعَمَ بِخَوْلِهِ • يا مَنْ اَكْرَمَ بِطَوْلِهِ
- يا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ • (يا مَنْ اَكْرَمَ بِجُودِهِ)، يا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ •
- يا مَنْ قَدَّرَ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ • يا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ • يا مَنْ
- تَجَاوَزَ بِرَأْفَتِهِ • يا مَنْ عَلَي دُنُوهِ • يا مَنْ دَنَى فِي عُلُوهِ (يا مَنْ
- حُكْمَ بَتَدْبِيرِهِ، يا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ عَلَي فِي دُنُوهِ)

(81)

ده نام هشتاد و یک نام حق تعالی

برای درد پستان

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ • يا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
- يا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ • يا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ
- يا مَنْ يُعَذِّبُ لِمَنْ يَشَاءُ • يا مَنْ يَتُوبُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ
- يا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ مَنْ يَشَاءُ
- يا مَنْ يُزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ • يا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ
- يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا • يَا اللَّهُ (يا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، يا مَنْ يُعْزِّزُ مَنْ يَشَاءُ، يا مَنْ يُزِلُّ مَنْ يَشَاءُ)

(82)

ده نام هشتاد و دویم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد جگر

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

- يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ (صَاحِبَةً وَ لَا) وَلَدًا • يا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا • يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا • يا مَنْ لَمْ يَزَلْ
- يا جَاعِلَ الْمَلَكَةِ رُسُلًا • يا مَنْ جَعَلَ فِي السَّاءِ بُرُوجًا
- يا مَنْ جَعَلَ فِي الْأَرْضِ قَرَارًا • يا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا
- يا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا • يا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا
- (يا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا، يا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، يا مَنْ جَعَلَ مَلَائِكَةً رُسُلًا)

(83)

ده نام هشتاد و سوم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد کتف

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا فَرْدُ • یا وَتَرُ • یا اَحَدُ • یا صَمَدُ • یا اَبَدُ • یا اَعَزُّ • یا اَجَلُ •
 یا بَرُّ • یا حَيُّ • یا قَيُّوْمُ (یا اول یا آخر، یا ظاهر یا باطن، یا حق یا
 سرمد)

(84)

ده نام هشتاد و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای درد شانه

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا مَعْرُوْفٌ مِنْ عُرْفِهِ • یا مَعْبُوْدٌ مِنْ عِبْدِهِ • یا مَشْکُوْرٌ مِنْ
 شُکْرِهِ • یا مَذْکُوْرٌ مِنْ ذِکْرِهِ • یا مَحْمُوْدٌ مِنْ حَمْدِهِ • یا مَجُوْدٌ مِنْ
 طَلَبِهِ • یا مَوْصُوْفٌ مِنْ وَحْدِهِ • یا مَحْبُوْبٌ مِنْ اَحِبِّهِ
 • یا مَرْغُوْبٌ مِنْ اِرَادِهِ • یا مَقْصُوْدٌ مِنْ قَصْدِهِ
 (یا خیر معروفِ عُرْف، یا اَعَزُّ مَذْکُوْر ذِکْر، یا اعلیٰ محمود حُمد،
 یا اَقْدَمَ موجودِ طَلَب، یا ارفع مَوْصُوْفِ وُصْف، یا اکبر مقصُوْد
 قُصْد، یا اکرم مسْئُوْل سئَل، یا اشرف مَحْبُوْب عِلْم، یا افضل
 معبودِ عُبْد، یا اجل مشْکُوْر شُکر)

(85)

ده نام هشتاد و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی
 برای درد آرنج

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
 • یا مَنْ لَا مُلْکَ اِلَّا مُلْکُهُ • یا مَنْ لَا یَحْصِی الْعِبَادُ ثَنَاؤُهُ •
 • یا مَنْ لَا یَعْرِفُ الْخَلَائِقُ جَلَالَهُ • یا مَنْ لَا یُدْرِکُ الْاَبْصَارُ کَمَالَهُ •
 • یا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْاَفْهَامُ صِفَاتُهُ • یا مَنْ لَا یُحْسِنُ الْاِحْسَانُ الْاَبْعَوْنَهُ •
 • یا مَنْ لَا تُدْرِکُ الْاَوْهَامُ عَایِنَتُهُ • یا مَنْ لَا یَرِدُ الْعِبَادُ قَضَائَهُ •
 • یا مَنْ ظَهَرَتْ فِیْ کُلِّ شَیْءٍ اٰیَتُهُ

(86)

ده نام هشتاد و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد دست

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا حَبِيبَ الْبُكَائِينَ • يَا مُؤَيَّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ • يَا هَادِيَ الْمَضَلِّينَ
• يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ • يَا أُنِيسَ الذَّاكِرِينَ • يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ
• يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ • يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ • يَا مَفْرَعَ الْمَدْهُوفِينَ
• يَا إِلَهَ الْعَلَمِينَ (يَا حَبِيبَ الْبَاكِينَ، يَا سَدَّ الْمُتَوَكِّلِينَ، يَا مَفْرَعَ
الْمُدْهُوفِينَ، يَا مُنْجِيَ الصَّادِقِينَ، يَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، سُبْحَانَكَ).

(87)

ده نام هشتاد و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای دفع جمله شرها

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا مُكْرِمٌ • يَا مَنَعٌ • يَا مُعْظِمٌ • يَا مُعْطِي • يَا مُغْنِي
• يَا مُحِي • يَا مُبْدِي • يَا مُرْضِي • يَا مُنْجِي • يَا مُحْسِنٌ

(88)

ده نام هشتاد و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد پشت

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ • يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
• يَا مَنْ هُوَ لَا يَشْبَهُهُ شَيْءٌ (يَا مَنْ هُوَ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ)
• يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ • يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ
• يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ • يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ
• يَا مَنْ هُوَ نَاطِرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ • يَا مَنْ حَاضِرٌ عَلَى • (يَا حَاضِرٌ
لَيْسَ غَائِبٌ)

(89)

ده نام هشتاد و نهم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد پهلوی

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ • يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ
• يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأُمُورَ إِلَّا هُوَ • يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا هُوَ
• يَا مَنْ لَا يَنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ • يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ
• يَا مَنْ لَا يُتِمُّ النِّعْمَةَ إِلَّا هُوَ • يَا مَنْ لَا يَقْلِبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ
• يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ • يَا مَنْ لَا يَبْقَىٰ عَلَيَّ التَّحْقِيقُ إِلَّا هُوَ
(يا من لا يعزب عن علمه شيء إلا هو. يا من هو خبير كل شيء. يا من وسعت رحمته كل شيء)

(90)

ده نام نودم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد شکم

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا مُعِينُ الضُّعَفَاءِ • يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ • يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ
• يَا رَافِعَ السَّمَاءِ • يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ • يَا أَنْيَسَ الْأَصْفِيَاءِ
• يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ • يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ (يا اكرم الاكرماء. يا صاحب الغرباء. يا كنز الفقراء.)

(91)

ده نام نود و یکم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد قولنج

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا فَارِجُ • يَا فَاتِحُ • يَا نَاصِرُ • يَا رَجَا • يَا مُرْتَجَا
• يَا عَظِيمَ الرَّجَا • يَا ضَامِنُ • يَا صَائِنُ • يَا أَمِرُ • يَا نَاهِي
(يا باري، يا ذاري، يا باذخ، يا كاشف)

(92)

ده نام نود و دویم از هزار و یک نام حق تعالی

برای بجا آوردن ناف

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يَا اَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ اٰخِرَهُ • يَا اِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَ صَانِعَهُ
- يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَالِقَهُ • يَا قَابِضُ كُلِّ شَيْءٍ وَ بَاسِطَهُ
- يَا مُبْدِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُعِيدَهُ • يَا مُسَبِّبُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُقَدِّرَهُ
- يَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُدَبِّرَهُ • يَا مُحْيِي كُلِّ شَيْءٍ وَ مُمِيتَهُ
- يَا سَامِعُ كُلِّ سَوَالٍ وَ مُجِيبُهُ • (یا خالق کل شیء و وارثه،
- یا مُنْشِئُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُقَدِّرُهُ، یا مُکُونُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُحَوِّلُهُ،
- یا مَنْ عَصِي فَغْفِرُ، یا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِکْرُ، یا مَنْ لَا یُدْرِكُهُ الْبَصَرُ،
- یا مَنْ لَا یَخْفِي عَلَيْهِ اَثَرُ، یا رَازِقُ الْبَشَرِ، یا مُقَدِّرُ كُلِّ قَدَرٍ

(93)

ده نام نود و سوم از هزار و یک نام حق تعالی

برای درد سنوه

اللَّهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

- يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ • يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ
- يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ • يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَ مُجَابٍ
- يَا خَيْرَ مُؤَنِّسٍ وَ اَنِيسٍ • يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَ جَلِيسٍ
- يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ مَطْلُوبٍ • يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَ مُحَبُّوبٍ
- يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ • يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ (یا خیر شاهد و مشهود،
- یا خیر داع و مدعو)

(94)

ده نام نود و چهارم از هزار و یک نام حق تعالی

براي درد گرده

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يَا مُسَيَّبُ • يَا مُقَرَّبُ • يَا مُوَقِّتُ • يَا مُقَلِّبُ • يَا مُقَدِّرُ
• يَا مُرْتَبُ • يَا مُرْعَبُ • يَا مُذَكِّرُ • يَا مُتَكَبِّرُ • يَا مُكَوِّرُ
(يا مُعَقِّرُ، يا مُخَذِّرُ، يا مُخَوِّفُ، يا مُسَحِّرُ، يا مُعَيِّرُ)

(95)

ده نام نود و پنجم از هزار و یک نام حق تعالی^۱

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
يا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ، يا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، يا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ، يا مَنْ عُبِدَ
فُشِكَرَ، يا مَنْ عَصِيَ فَعَقِرَ، يا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، يا مَنْ لَا يَدْرِكُهُ
الْبَصَرُ، يا مَنْ لَا يَحْفَى عَلَيْهِ أَثَرُ، يا رَازِقَ الْبَشَرِ، يا مُقَدِّرَ كُلِّ
قَدَرٍ، سُبْحَانَكَ

(96)

ده نام نود و ششم از هزار و یک نام حق تعالی

براي درد زانو

اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
• يا مَنْ هُوَ عِلْمُهُ سَابِقُ • يا مَنْ هُوَ وَعْدُهُ صَادِقُ
• يا مَنْ هُوَ لُطْفُهُ ظَاهِرُ • يا مَنْ هُوَ أَمْرُهُ غَالِبُ
• يا مَنْ هُوَ كِتَابُهُ مُحْكَمُ • يا مَنْ كَلَامُهُ قَدِيمُ
• يا مَنْ هُوَ قَضَاءُهُ كَائِنُ • يا مَنْ هُوَ مُلْكُهُ مُقِيمُ
• يا مَنْ هُوَ عَرْشُهُ عَظِيمُ • يا مَنْ هُوَ لُطْفُهُ عَمِيمُ
(يا مَنْ قُرْآنُهُ مُجِيدُ)

^۱ فارسي واري اصل ڪتاب ۾ ڪاتب کان شمارو 95 لکن کان رهجي ويو آهي. شرح ملا هادي مان شمارو 88 ڪٿي هتي رکيو اٿئون جيڪو هن ڪتاب ۾ پئي هنڌ ناهي.

(97)

ده نام نود و هفتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای باد بواسیر

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمِيعٌ عَنْ سَمْعٍ • يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلِ
• يَا مَنْ لَا يَبْرِمُهُ الْحَاجُّ الْمُلْحِجِينَ • يَا مَنْ شَرَحَ بِالْإِسْلَامِ
صَدْرَ الْمُؤْمِنِينَ • يَا مَنْ طَابَ بِذِكْرِهِ قُلُوبُ الْمُحِبِّينَ
• يَا مَنْ لَا يُغَيِّي عَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ • يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
مَقْصُودُ الطَّالِبِينَ • يَا مَنْ هُوَ مُشَدُّ الشَّاكِرِينَ (يا من لا يجبه شيء
عن شيء، يا من هو مُنتهي همم العارفين، يا من لا يُلْهِيه قول
عن قول، يا من لا يُغْلِظُهُ سُؤال عن سُؤال، يا من مُنتهي طالب
الطالبين، يا من لا يخفي عليه ذرة في العلمين.)

(98)

ده نام نود و هشتم از هزار و یک نام حق تعالی

برای سنگ مثانه

اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

• يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ • يَا جَوَادًا لَا يَبْحُلُ • يَا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ
• يَا قَوِيًّا لَا يَضْعَفُ • يَا صَادِقًا لَا يُخْلَفُ • يَا حَكِيمًا لَا يَمَلُ
• يَا قَيُّومًا لَا يَنَامُ • يَا بَاقِيًا لَا يَفْنِي • يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ
• يَا دَائِمًا لَا يَفُوتُ • يَا حَاضِرًا لَا يُغِيثُ (يا وهاب لا يَمَلُ، يا
عدلا لا يخيف، يا قاهرا لا يُغلب، يا عظيمًا لا يُؤْصف، يا غني لا
يفتقر، يا كبيرا لا يصغر، يا حافظًا لا يَغْفُلُ، سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، يَا غَوْثُ الْغَوْثِ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ)

(99)

ده نام نود و نهم از هزار و یک نام حق تعالی

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

• یا اِلٰهٰی لَا اَحْصِیْ ثَنَاءَ عَلَیْكَ

• یا اِلٰهٰی کَمَا اَثْنِیْتَ عَلٰی نَفْسِکَ • یا اِلٰهٰی کَمَا لَکَ الْحَمْدُ کَمَا

یَنْبَغِیْ لِکَرَمَ وَجْهِکَ • یا اِلٰهٰی اَنْتَ عَزِیْزٌ بِعِزَّتِکَ وَ جَلَالِکَ

• یا اِلٰهٰی اَنْتَ عَظِیْمٌ بِعَظَمَةِ رُبُوْبِیَّتِکَ • یا اِلٰهٰی اَنْتَ مَحْمُوْدٌ

بِحَمْدِکَ • یا رَحْمٰنُ یا رَحِیْمُ • یا رَحِیْمُ اِفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ لَهٗ اَهْلُهٗ

• یا کَرِیْمُ سُبْحٰنَکَ • یا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ

(100)

تمام دعای هزار و یک نام،

برای چکیدن کمیز (تقطیرالبول)

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

یا حَلِیْمًا لَا یَغْجَلُ، یا جَوَادًا لَا یَبْخُلُ، یا صَادِقًا لَا یُخْلِفُ، یا وَهَّابًا لَا

یَمَلُ، یا قَاهِرًا لَا یُعْلَبُ، یا عَظِیْمًا لَا یُوصَفُ، یا عَدْلًا لَا یَحِیْفُ، یا

عَنِیًّا لَا یَفْتَقِرُ، یا کَبِیْرًا لَا یَصْغُرُ، یا حَافِظًا لَا یَغْفُلُ، سُبْحٰنَکَ! یا

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ! اَلْعُوْثُ اَلْعُوْثُ! خَلَصْنَا مِنْ النَّارِ یا رَبِّ.

دعاء ختم

اللَّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْاَسْمَاءِ الْعَظِیْمَةِ وَالصِّفَاتِ الْحَمِیْدَةِ

وَالنُّعُوْثِ الشَّرِیْقَةِ وَالْمَدَائِحِ اللَّطِیْفَةِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ عَلٰی

اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَزْوَاجِهِ وَّ ذُرِّیَّاتِهِ وَّ عَلٰی کُلِّ مُقَرَّبٍ وَّ رَسُوْلٍ وَّ نَبِیٍّ

وَ اَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ لِاَبَائِنَا وَ لِاُمَمَّاتِنَا وَ لِاَوْلَادِنَا وَ اَزْوَاجِنَا وَ لِجَمِیْعِ

الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنٰتِ وَ اَنْ تَرْزُقَنَا رِضًا کَ فِی الدِّیْنِ وَ الدُّنْیَا وَ اَنْ

تَهَبَ لَنَا مَا وَهَبْتَ لِاَکِیَّائِکَ وَ اَنْ تَخْتِمَ لَنَا عَلٰی السَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ

وَ اَنْ تُدْخِلَنَا دَارَ السَّلَامِ بِلَا حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ. یا اللهُ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ
 أَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ. وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا دَائِمًا أَبَدًا مُبَارَكًا كَثِيرًا
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اسماء سيدنا و مولينا محمد صلي الله عليه و آله و سلم

مائتان و واحد و هي هذه

هذه

اسماء سيدنا و مولانا محمد (صلي الله عليه و آله و سلم) مائتان و واحد و هي

هذا

مُحَمَّدٌ ﷺ، أَحْمَدُ ﷺ، حَامِدُ ﷺ، مُحَمَّدُ ﷺ،
 أَحِيدُ ﷺ، وَحِيدُ ﷺ، مَاحِ ﷺ، حَاشِرُ ﷺ،
 عَاقِبُ ﷺ، طُ ﷺ، يَسُ ﷺ، طَاهِرُ ﷺ،
 مُطَهَّرُ ﷺ، طَيِّبُ ﷺ، سَيِّدُ ﷺ، رَسُولُ ﷺ،
 نَبِيُّ ﷺ، رَسُولُ الرَّحْمَةِ ﷺ، قَيُّمُ ﷺ، جَامِعُ ﷺ،
 مُقْتَنِفُ ﷺ، مُقْفِي ﷺ، رَسُولُ الْمَلَاحِمِ ﷺ، رَسُولُ الرَّحَةِ ﷺ،
 كَامِلُ ﷺ، أَكْلِيلُ ﷺ، مُدَثِّرُ ﷺ، مُزْمِلُ ﷺ،
 عَبْدُ اللَّهِ ﷺ، حَبِيبُ اللَّهِ ﷺ، صَفِيُّ اللَّهِ ﷺ، نَجِيُّ اللَّهِ ﷺ،
 كَلِيمُ اللَّهِ ﷺ، خَاتِمُ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ، خَاتِمُ الرُّسُلِ ﷺ، مُحْيِ ﷺ،
 مُنْجِي ﷺ، مُذَكِّرُ ﷺ، نَاصِرُ ﷺ، مَنْصُورُ ﷺ،
 نَبِيُّ الرَّحْمَةِ ﷺ، نَبِيُّ التَّوْبَةِ ﷺ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ ﷺ، مَعْلُومُ ﷺ،
 شَهِيرُ ﷺ، شَاهِدُ ﷺ، مَشْهُودُ ﷺ، بَشِيرُ ﷺ،
 مُبَشِّرُ ﷺ، نَذِيرُ ﷺ، مُنْذِرُ ﷺ، سِرَاجُ ﷺ،
 مِصْبَاحُ ﷺ، هَدْيُ ﷺ، مَهْدِيُّ ﷺ، مُنِيرُ ﷺ،
 دَاعِ ﷺ، مَدْعُوُّ ﷺ، مُجِيبُ ﷺ، مُجَابُ ﷺ،
 خَفِيُّ ﷺ، عَفُوُّ ﷺ، وَلِيُّ ﷺ، حَقُّ ﷺ،
 قَوِيُّ ﷺ، أَمِينُ ﷺ، مَأْمُونُ ﷺ، كَرِيمُ ﷺ،
 مُكْرَمُ ﷺ، مَكِينُ ﷺ، مَتِينُ ﷺ، مُبِينُ ﷺ،
 مُؤْمِلُ ﷺ، وَصُولُ ﷺ، ذُو قُوَّةٍ ﷺ، ذُو حُرْمَةٍ ﷺ،
 ذُو مَكْنَةٍ ﷺ، ذُو عِزَّةٍ ﷺ، ذُو فَضْلٍ ﷺ، مُطَاعُ ﷺ،

مُطِيعٌ ﷺ، قَدُمَ صَدَقٌ ﷺ، رَحِمَهُ ﷺ، بُشِرِي ﷺ،
عَوْتُ ﷺ، عَيْثُ ﷺ، غِيَاثُ ﷺ، نِعْمَةُ اللَّهِ ﷺ،
هَدِيَّةُ اللَّهِ ﷺ، عُرْوَةُ وَتَقِي ﷺ، صِرَاطُ اللَّهِ ﷺ، صِرَاطُ مُسْتَقِيمٍ ﷺ،
ذِكْرُ اللَّهِ ﷺ، سَيْفُ اللَّهِ ﷺ، حِزْبُ اللَّهِ ﷺ، النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﷺ،
مُصْطَفِي ﷺ، مُجْتَبَى ﷺ، مُنْتَقَى ﷺ، أُمِّي ﷺ،
مُخْتَارُ ﷺ، أَجِيرُ ﷺ، جَبَّارُ ﷺ، أَبَوَا الْقَاسِمِ ﷺ،
أَبُو الطَّاهِرِ ﷺ، أَبُو الطَّيِّبِ ﷺ، أَبُو إِبْرَاهِيمَ ﷺ، مُشْفَعُ ﷺ،
شَفِيعُ ﷺ، صَالِحُ ﷺ، مُصْلِحُ ﷺ، مُهَيِّمُ ﷺ،
صَادِقُ ﷺ، مُصَدِّقُ ﷺ، صِدْقُ ﷺ، سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ ﷺ،
إِمَامُ الْمُتَّقِينَ ﷺ، قَائِدُ الْعَزِّ الْمُحِبِّينَ ﷺ،
خَلِيلُ الرَّحْمَنِ ﷺ، بَرُّ ﷺ، مُبَرُّ ﷺ، وَجِيهُ ﷺ،
نَصِيحُ ﷺ، نَاصِعُ ﷺ، وَكِيلُ ﷺ، مُتَوَكِّلُ ﷺ،
كَفِيلُ ﷺ، شَفِيقُ ﷺ، مُقِيمُ السُّنَةِ ﷺ، مُقَدَّسُ ﷺ،
رُوحُ الْمُقَدَّسِ ﷺ، رُوحُ الْحَقِّ ﷺ، رُوحُ الْقِسْطِ ﷺ، كَافِ ﷺ،
مُكْتَفٍ ﷺ، بَالِغُ ﷺ، مُبْلَغُ ﷺ، شَافٍ ﷺ،
وَاصِلُ ﷺ، مَوْصُولُ ﷺ، سَابِقُ ﷺ، سَائِقُ ﷺ،
هَادٍ ﷺ، مُهْدٍ ﷺ، مُقَدَّمُ ﷺ، عَزِيزُ ﷺ،
فَاضِلُ ﷺ، مُفَضَّلُ ﷺ، فَاتِحُ ﷺ، مُفْتَاخُ ﷺ،
مُفْتَاخُ الرَّحْمَةِ ﷺ، مُفْتَاخُ الْجَنَّةِ ﷺ، عِلْمُ الْيَقِينِ ﷺ،
ذَلِيلُ الْخَيْرَاتِ ﷺ، مُصَحِّحُ الْحَسَنَاتِ ﷺ، مُقِيلُ الْعَثَرَاتِ ﷺ،
صُفُوحٌ عَنِ الزَّلَّاتِ ﷺ، صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ ﷺ،
صَاحِبُ الْمَقَامِ ﷺ، صَاحِبُ الْقَدَمِ ﷺ،
مَخْصُوصٌ بِالْعِزِّ ﷺ، مَخْصُوصٌ بِالْمَجْدِ ﷺ،
مَخْصُوصٌ بِالشَّرَفِ ﷺ، صَاحِبُ الْوَسِيلَةِ ﷺ،
صَاحِبُ السَّيْفِ ﷺ، صَاحِبُ الْفَضِيلَةِ ﷺ،
صَاحِبُ الْإِزَارِ ﷺ، صَاحِبُ الْحُجَّةِ ﷺ،
صَاحِبُ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ ﷺ، صَاحِبُ الثَّجَالِ ﷺ، صَاحِبُ الْمَغْفِرِ ﷺ،
صَاحِبُ الْكَلَاءِ ﷺ، صَاحِبُ الْمِعْرَاجِ ﷺ،
صَاحِبُ الْقَضِيْبِ ﷺ، صَاحِبُ الْعَلَامَةِ ﷺ،

صَاحِبُ الْخَاتِمِ ﷺ، صَاحِبُ الْعَلَامَةِ ﷺ،
 صَاحِبُ الْبُرْهَانِ ﷺ، صَاحِبُ الْبَيَانِ ﷺ،
 فَصِيحُ الْبَيَانِ ﷺ، فَصِيحُ اللِّسَانِ ﷺ،
 مُطَهِّرُ الْجَنَانِ ﷺ، رَتُوفُ ﷺ، رَحِيمُ ﷺ، أَذُنُ خَيْرٍ ﷺ،
 صَاحِبُ الْإِسْلَامِ ﷺ، سَيِّدُ الْكَوْنَيْنِ ﷺ، عَيْنُ النِّعَمِ ﷺ،
 عَيْنُ الْعِزِّ ﷺ، سَعْدُ اللَّهِ ﷺ، سَعْدُ الْخَلْقِ ﷺ،
 خَطِيبُ الْأُمَمِ ﷺ، عِلْمُ الْهُدَى ﷺ،
 كَاشِفُ الْكَرْبِ ﷺ، رَافِعُ الرَّتَبِ ﷺ،
 عِزُّ الْعَرَبِ ﷺ، صَاحِبُ الْفَرْجِ ﷺ،
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ وَسَلَّمَ،
 اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفِيِّ وَرَسُولِكَ الْمُتَرْضَى
 طَهَّرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَ مُحَبَّتِكَ
 وَ اَمْتِنَا عَلَي السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ وَالشُّوقِ اِلَي لِقَائِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
 وَ صَلِّی اللّٰهُ تَعَالٰی عَلٰی سَیِّدِنَا وَ مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی آلِهِ وَ قَصْحَابِهِ وَ سَلَّمَ
 تسليماً.

(صفحات ۸۹ الي ۹۴)

Asmaa Sayyidna wa Malayina Muhammad wa hiya miataan
 200 Names of the Prophet

دُرُود مُسْتَغَاث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا مَضَى، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا بَقِيَ،
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْوَرَى،
مَدَحْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ أَنْتَ خِيَارُ
اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ اللَّهِ تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ الْكَوَيْنِ
فَتَّاحُ فَاتِحِ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ اللَّهِ تَعَالَى
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى رَسُولُ
سِرَاجِ الْعَلَمِينَ، مُحَمَّدُ مُطَيِّبُ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ اللَّهِ
تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّيِّدُ الْمُعَلَّى رَسُولُ نَبِيِّ
الْخَائِفِينَ قَاسِمُ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى خَيْرِ حَضْرَتِ اللَّهِ
تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْلَى مِنْ عِبَادِ اللَّهِ رَسُولُ
صَاحِبِ الدَّارَيْنِ خَادِمُ مُطَيِّبِ اللَّهِ، الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ اللَّهِ
تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ النَّبِيُّ الْمُزَكِّي رَسُولُ تَاجِ
الْحَرَمَيْنِ أَمْرُ نَاهِ طَاهِرِ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ اللَّهِ تَعَالَى.
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا رَسُولُ جَدِّ الطَّيِّبِينَ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ذَا عِزٍّ مَطْهَرِ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ اللَّهِ
تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ نَبِيُّ مُخْتَارِ مُرْتَضَى إِمَامِ
مُقْتَدِي الْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ هَادٍ مُبِينِ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثُ إِلَى حَضْرَتِ
اللَّهِ تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَدَانَا رَسُولُ مَهْدِيٍّ مِنْ
 الصَّلَاةِ مُهْتَدٍ مُطِيعُ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَبِيبُنَا رَسُولُ مَهْدِيٍّ الْأُمَّةِ
 وَرَسُولُ صَفِيِّ حُجَّةِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُجِيبُنَا رَسُولُ كَرِيمٍ
 مَرْضِيٍّ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَسُولُنَا رَسُولُ عَلِيِّ الدَّوَامِ
 نَبِيِّ طَه قَائِمٍ حَامِدُ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِيرُنَا رَسُولُ وَنَبِيِّ مُحَمَّدٍ
 رَسُولِ اللَّهِ إِسْمُهُ أَحْمَدُ نَاصِرُ كَلِيمِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ
 اللَّهِ تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُعِنُّنَا رَسُولُ وَالذُّرِّ النَّبِيِّ
 الْيَاسِينَ إِمَامُ أَمِينِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُصَدِّقُنَا رَسُولُ وَحَبِيبُ وَ
 نَبِيِّ مُزْمَلٍ بَيَانُ رَسُولِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ شَاهِدُنَا رَسُولُ وَنَبِيِّ مُزْمَلٍ
 مُدَثِّرُ قَرَانٍ نُورُ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُذَكِّرُنَا رَسُولُ
 مُعْطِرِ الرُّوحِ بَارِ جَوَادِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى.
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سُلْطَانُ الْأَنْبِيَاءِ رَسُولُ
 صَاحِبِ الْفُرْقَانِ مَكِّيِّ شَكُورِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ
 تَعَالَى.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِمَامُ الْاِتِّقِيَاءِ رَسُولُ
 صَاحِبِ الْكُوْثَرِ مَدَنِيِّ مُنِيرِ اللَّهِ الْمُسْتَعَاثُ إِلَى حَضْرَةِ اللَّهِ
 تَعَالَى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله سراج الاولياء رسول
صاحب الميزان ابطحي قريب الله المستعاث الى حضرت الله
تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله برهان الاصفياء رسول
سيد القوم عزي يتيم الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله شفيعنا رسول مجراه
المهدي قريشي شهيد الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله امام المؤمنين وزينه
الانبياء رسول خادم الفقراء حجازي نذير الله المستعاث الى
حضرت الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله ختم الانبياء رسول ماه
محمد ابن عبد الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله صادقتنا رسول مرسل
متوسط رحيم الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله سيدنا رسول مستغيث
مقتصد حليم الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله اغشنا يا رسول الثقلين
انت حق منيب الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله واعظنا رسول ورسوله
المجتبى اول حبيب الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله اكرمنا رسول صاحب
الشريعة اخر عزيز الله المستعاث الى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله اهل الثقوى رسول
صاحب الطريقة شفاء فصيح الله المستعاث الى حضرت الله
تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله أمّا بك أنت نبينا رسول
صاحب الجنة مضرّي بشيئك الله المستغاث إلى حضرت الله
تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله إمام الأمر رسول صاحب
المعرفة برهان رحمة الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله كبيرنا رسول صاحب
الجنة ظاهر كريم الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله سندنا العصيّن رسول
صاحب الجهنّم سلطان تهامي مؤمن أمين الله المستغاث إلى
حضرت الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله فقيها رسول صاحب
الضراط مبلّغ عاقب الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله وليّنا رسول صاحب
الشفاعة باطن خليل الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله شهيد عوامنا رسول
صاحب التاج محلّل ياذن الله المستغاث إلى الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله صاحب المحراب حاشر
نبي الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله أفضل من النبيين و
الصّيقين و الشّهداء والصّالحين محبوبنا رسول صاحب المنبر
خطيب رحمة الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله مبشّرنا رسول صاحب
البيت عامر كعبة الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله أكبرنا رسول صاحب
الشريعة أخر عزير الله المستغاث إلى حضرت الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله نبي آخر الزمان رسول
صاحب الاجتهاد منتقم مكرم الله المستغاث الى حضرت الله
تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله في الدين صادقنا رسول
صاحب القيامة ناطق بالحق شفيع الله المستغاث الى حضرت
الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله مشقع الأمة يعيننا
بالشفاعة رسول صاحب النبوة محرم نبي الله المستغاث الى
حضرت الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله نبي الرحمة سابقنا رسول
صاحب الدارين حريص رؤف الله المستغاث الى حضرت الله
تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله سيد الجن والانس ناه
نبينا رسول صاحب النعمة هاشمي كرامة الله المستغاث الى
حضرت الله تعالى.

الصلوة والسلام عليك يا رسول الله مقربنا رسول الى حضرت
رحمة الله تعالى عليه ألف ألف صلوة و سلام على رسوله
المجتبي المصطفى و حبيب المجتبي بدر الدجى نور الهدى
صاحب قاب قوسين أو أدنى صلى الله عليه وسلم.

اللهم ارحم ابا بكرن الثقي و عمر بن النقي و عثمان الزكي و
علي بن الوفي. أسد الغالب المرتضى و فاطمة الزهري و خديجة
الكبرى و عائشة الصديقة و الحسن الرضي و الحسين الشهيد
و الشهداء الكربلا و السعد و السعيد و طلحة و الزبير و

عبدالرحمن ابن عوف و أبا عبيدة ابن الجراح و العشرة
المبشرة و خلفاء الراشدين المهتدين رسوا الله تعالى عليهم

أَجْمَعِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَنِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دُعَاي

اللَّهُمَّ الْغْفِرْلِي وَالْأَسْتَذِي وَالْوَالِدِي وَلِمَنْ تَوَالَدَ وَارْحَمَهُمَا كَمَا
رَبَّيَانِي صَغِيرَا وَاغْفِرْ لِلْجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ
الدَّعَوَاتِ وَ رَافِعُ الدَّرَجَاتِ وَ يَا قَاضِي الْحَاجَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

ديباجة: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رب يسر ولا تعسر و تتمم بالخير

الحمد لله رب العلمين والعاقبة للمتقين و طوبى للفائزين و لا
عدوان الحَا علي الظلمين. والصلوة والسلام على رسوله محمد
و آله الطاهرين اجمعين. و ازواجه الطاهرات الطيبات أمهات
المؤمنين، وسلم تسليمًا كثيرًا.

About the Booklet “1001 Names of Allah Ta’aala

In the introduction to this book the compiler says that in the days of Sultan Mahmood Rahmatullahi Alaihi people used to speak a lot about “The Prayer of 1001 Names” so he used to ask them to bring the Dua of 1001 Names to him. Whatever the people used to bring used to be incomplete or defective somehow and he used to have no certitude about such presentations. Still he used to harbour a desire to come to the 1001 Names prayer. When he came to Khurasan and conquered Nishapur, he listened to the (petitions) of the Imams, Qadis, Sayyids, Ashraaf, and elders of Nishapur and gave them general amnesty. However, he asked them to tell him if Allah has 1001 Names in the Quran and if He has those names in the Quran, the Scholars should bring them to him in complete form so that his heart may find peace. Thus

a writ was issued requiring all the scholars to sit together. Thus Imam Ayoob from Ghazni and scholars from Heraat and other provinces were sought to join the group at Nishapur and he ordered Halal Rizq to be provided to them. They sat together and in one year's time took out 1001 Names extracting them from the Quran, Tafasseer, and books of Ahadeeth. The Sultan rewarded them profusely and he used to keep a copy of the Dua with him. A copy was sent to Baghdad as well. The Khalifah at Baghdad also liked the booklet and it was sent to all the seven zones of his rules in one book form. After Sultan Mahmood's death, a copy of the book remained with his son Mas'ood.

The compiler of the booklet lists great benefits of reading the Dua of 1001 Names of Allah. He says if all the animals or humans or magicians of Pharaoh get together to hurt the reader of this Dua or his family members, they will not be able to hurt him and his family. The house in which is kept a copy of this Du'aa will be protected, the house and its inhabitants will be protected from all the afflictions. One who recites this Du'aa will be forgiven his misdeeds on the Day of Judgement and he will find salvation (Shafaah) for the people of his household. He will not suffer the affliction of poverty and will not be exposed to disappointment in his affairs and will be protected from hunger, thirst, and disease.

One who is sick should perform Wudhu and offer two cycles of prayer and then recite this Du'aa, he will recover from sickness with the Grace of Allah. His sins will be forgiven and blessings and barakaat will be showered upon him and he will find peace in his grave and sent to Paradise. If he is afraid of rulers and people in authority, he will find peace from the fear and Allah will protect him the evil of the people in power and authority.

(نقل کردیم از کتاب بنام ”دعای یک هزار و یک نام“ چاپ تاج

محل کمپنی، دهکی منور شاه، قصه خوانی بازار، پشاور،

210732 تاریخ طبع 1377_4_1 هجری شمسی.

دُعا

- اللهم ان كانَ رزقي في السماءِ فَانزِلْهُ
- و ان كانَ في الارضِ فَأَخْرِجْهُ
- و ان كانَ بعيدا فَقَرِّبْهُ
- و ان كانَ قَلِيلا فزِدْهُ
- و ان كانَ كثيرا فبارِكْ بِهِ

دُعا

يا لَطِيفُ بِخَلْقِهِ، يا عَلِيمُ بِخَلْقِهِ، يا حَبِيبُ بِخَلْقِهِ
الْطُفْ بِي يا لَطِيفُ، يا عَلِيمُ، يا حَبِيبُ

بسم الله الرحمن الرحيم

”حم. تنزيل الكتب من الله العزيز العليم.

غافر الذنب و قابل التوب شديد العقاب ذي الطول، لا إله إلا هو،
إليه المصيرُ.“

• قال ابن عباس ”غافر الذنب“ لمن قال ”لا إله إلا الله“،

و قابل التوب ممن قال ”لا إله إلا الله“،

شديد العقاب لمن لم يقل ”لا إله إلا الله“.

• و قال ثابت البناني، كُنْتُ الى سِراذِقِ مُصْعَبِ بْنِ الزُبَيْرِ فِي

مَكَانٍ لَا تَمُرُّ فِيهِ الدَّوَابُّ. قَالَ ”فاسْتَفْتَحْتُ (حَمْرَ تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنْ

اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ). فَمَرَّ عَلَيَّ رَجُلٌ عَلَى دَابَّةٍ

فَلَمَّا قُلْتُ (غَافِرُ الذَّنْبِ)، قَالَ (قُلْ) يَا غَافِرُ الذَّنْبِ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي.

فَلَمَّا قُلْتُ (قَابِلُ التَّوْبِ) قَالَ قُلْ يَا قَابِلُ التَّوْبِ تَقْبَلُ تَوْبَتِي.

فَلَمَّا قُلْتُ (شَدِيدُ الْعِقَابِ) قَالَ قُلْ يَا شَدِيدُ الْعِقَابِ اعْفُ عَنِّي.

فَلَمَّا قُلْتُ (ذِي الطَّوْلِ) قَالَ قُلْ يَا ذَا الطَّوْلِ طُلِّ عَليَّ بِخَيْرٍ.

فقمّت إليه فأخذ ببصري. فالتفت يميناً و شمالاً فلم ار شيئاً.

• و قال اهل الاشارة ”غافر الذنب“ فضلاً

و ”قابل التوب“ وعدا

”شديد العقاب“ عدلاً

”لا اله الا هو اليه المصير“ فردا.

و روي عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه انه افتقد رجلاً ذا
باس شديد من اهل الشام، ف قيل له ”تتابع في هذ الشراب“. فقال
عمر لكتابه. اكتب من عمر الى فلان، سلام عليك و انا احمد
الله اليك الذي لا اله الا هو. بسم الله الرحمن الرحيم. حم
تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم غافر الذنب و قابل التوب،
شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير“ ثم ختم
الكتاب و قال لرسوله ”لا تدفعه اليه حتى تجده صاحياً، ثم أمر
مَنْ عنده بالدعاء له بتوبة، فلما اتته الصحيفة جعل يقرؤها و
يقول ”قد وعدني الله ان يغفر لي، و حذّرني عقابه، فلم يبرح
يردّها حتى بكى، ثم نزع، فأحسن النزع و حسنت توبته. فلما
بلغ عمر امره قال ”هكذا فاصنعوا إذا رايتم أحدكم قد زلّ زلّة
فسدّدوه وادعوا الله له ان يتوب عليه، ولا تكونوا اعواناً
للشياطين عليه.“

(الجامع الاحكام القرآن، امام ابو عبد الله محمد بن احمد

الانصاري القرطبي، المجلد الثمن (15 و 16)، ص 190،

دارالكتب العلمية بيروت لبنان)

**